

# کشف توطئه کودتای ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران بزرگ وابسته و نقش ضد خلقی ارتش

طرح کودتای بختیار و عوامل مزدور و نوکران سرسپرده امپریالیسم آمریکا با شکست مواجه شد. این کودتا، که بر زمینه های بحران سیاسی و اقتصادی جامعه و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه از یک سو و عملکردهای باند های جیره خوار امپریالیسم واز جمله تبلیغات رادیویی آنان از سوی دیگر تدارک شده بود، هدفی جز روی کار آوردن رژیم دست نشانده ای نظیر "رژیم گذشته" رانداشت. طبیعی است

## گرامی باد ۲۳ تیر ماه سالروز قیام قهرمانانه نفتگران

روز ۲۳ تیر ماه سالگرد قیام قهرمانانه کارگران نفت ایران، این پیشتازان مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است در تیر ماه سال ۱۳۲۵ باری دیگر کارگران قهرمان ایران و پیشاپیش آنها کارگران مبارز صنعت نفت با مبارزه دلیرانه خود بر ضد امپریالیسم مسلط آن زمان یعنی

**مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دموکراسی**  
● مبارزه برای دموکراسی از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته تفکیک ناپذیر است  
در صفحه ۱۰

## مسئله کردستان و موضع ما (۱) در صفحه ۵ رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش خلقها

### در این شماره:

- سازمانهای انقلابی توده ای (۲) سیاست یا ایدئولوژی (مسلك) در صفحه ۹
- نمونه ای از حمایت مردم از نیروهای انقلابی در صفحه ۳
- پیروزی کارکنان سازمان آب در گرفتن حق مسکن در صفحه ۳
- تحریکات پاسداران و شهادت انقلابیون در صفحه ۱۲

### در پی اخبار برجیدن دهکده ها مبارزات دهکده داران به خون کشیده شد.

بنا به ۳- آنهارا راکت حداقل هاش خود باز دارد، هر بار، کوشیده آنها را ضد انقلاب و عامل فساد و فحشا معرفی کنند. واقعه یورش و حمله پاسداران به دهکده های جنب پارک ملت در تابستان گذشته، بهم ریختن و از بین بردن سرمایه بانک دهکده داران کرخ در چند روز پیش بهم ریختن شایط و باره کردن کتابهای دهکده های کتابفروشی و بالاخره - کتابساز بی بدون دلیل دهکده داران تهرمان در روز پنجشنبه نوزدهم تیر ماه جاری در جلوگیری از ساختن شهرداری، همین چیست؟ ضد انقلابی بودن دهکده داران یا دفاع دولت از منافع سرمایه داران و فروشنده های بزرگ؟  
بقیه در صفحه ۱۱

### حجاب اجباری فرهنگ امپریالیستی

در صفحه ۱۲

● مبارزه با فرهنگ امپریالیستی - زمانی می تواند، تحقق یابد که با یک درگیری زرف در ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه و در هم کوبیدن مناسبات سرمایه داری وابسته همراه باشد.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکودگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

# کشف توطئه...

بقیه از صفحه ۱

لازم واجادشیکهای نظامی جهت دست یازیدن به چنین اقدامی، فروگذار نمی کنند.

کارکردهای صدانقلابی و بورژوازی هیئت حاکمه نمی تواند امیرالیزم را از توسل به شیوه‌های نظیر کودتای نظامی بازدارد. بلکه برعکس، امیرالیزم می‌کوشد از فرصت‌های مناسب برای تسلط کردن حکومت ارتجاعی ترین و صدانقلابی ترین محاسن سرمایه‌داران بزرگ و وابسته در ایران، حداکثر استفاده را بکند. دلیل اساسی اتخاذ این تاکتیک از جانب امیرالیزم در شرایط کنونی آن بود که، تا کامل آگاهی سیاسی توده‌ها و رشد سطح مبارزه طبقاتی در ایران از یک سو و تعریف همه‌جانبه نقش سیاسی بورژوازی بزرگ در حکومت، و تشدید ضایعاتی درونی هیئت حاکمه، تلاش‌های امیرالیزم برای اعمال تسلط همه‌جانبه سیاسی در ایران را میسرمان زیادی دچار شکست کرده بود.

مضمون سیاست بلندمدت لیبرالها که همواره دفاع از منافع و موقعیت اجنماعی سرمایه‌داران و زمینداران متوسط و دربارشان با بورژوازی بزرگ ایران بوده است، و نیز عملکرد صدانقلابی و ضد مردمی سران حزب جمهوری اسلامی که اساساً چیزی جز خدمت به منافع استعمارگران و مستکمرانه‌ها سرمایه‌داران وابسته در توده‌ها نبوده است، با کنون امیرالیزم را امیدوار می‌نمود که با حکومت کنونی به سازش سیاسی دست یابد. از اینرو جز در رویدادهای کوتاه مدت و تاکتیکی که در آن اعمال فشار اقتصادی و سیاسی را ضروری می‌شود تاکنون هیچ‌گاه تاکنکست سرکونی حکومت کنونی را با منافع خود در ایران و منطقه منطبق ندیده است. بلکه مطالبه عینی سیاست و تاکتیک‌های امیرالیزم نسبت به هیئت حاکمه خوبی نشان میدهد که همواره نفیست سلطه جناح لیبرال و کشتن جناح حزب جمهوری در این کشور جز بر منافع‌های اقتصادی و سیاسی آنها را، هدف خود قرار داده است.

امیرالیزم آمریکا، حتی در شرایط اوج گیری بیکار صدامیرالیزمی - دموکراتیک خلق و نیز آزادمنه "کروناگیری" که از نقطه نظر داخلی شدیدا "و بنحو غیرقابل تصویری مواضع کار ترحم دموکرات را بویژه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تضعیف می‌نماید، هرگز از زندگی این مطلب که در صورت آزادی کره‌گانها، دولت ایران را مورد تأیید و پشتیبانی قرار خواهد داد، تردیدی خود را ندارد. اما امروزه موقعیت داخلی و بین‌المللی امیرالیزم و همچنین بحران عمیق حاکم بورژوازی، امیرالیزم آمریکا را به تاکتیک‌های متفاوتی می‌کشاند و در این رابطه به طرح کودتای نظامی اخیر توسل می‌جوید.

طیف وسیع لیبرالها در حکومت، که تا میاندکان سیاسی سرمایه‌داران متوسط هستند، در شرایط کنونی به ننگه‌ها امیرالیزم تبدیل شده‌اند. موقعیت اجنماعی و اقتصادی سران حزب جمهوری اسلامی و نیز جناح‌های طبقاتی آنان که عمدتاً در میان سرمایه‌داران و تجار بازار قرار دارد، انعکاس سیاسی خود را در اقدامات و سیاست‌های ضد دموکراتیک و سرکونیکرای حزب، بازمی‌یابد. آنها این منافع طبقاتی را در شرایط بحران سیاسی، به بیخیزندترین شکل در پیوستن "اسلامیت" و "ولایت فقیه" به نیستی می‌برند. اما بحران اقتصادی موجود، وضع زندگی ضرایب بیشتری از توده‌ها را در همه جا بدتر می‌کند. مبارزه طبقاتی گسترش می‌یابد و همیای آن نقاب از چهره سران حزب جمهوری اسلامی کنار رفته و حقیقت سیاست آنان، هر روز بیشتر، در مقابل چشمان توده‌های ملموسی نمایان گشته خواهد شد. بنابراین این ازمینس با یک توده‌ای خود را محدود نخواهند یافت.

خرجه طرح توطئه کودتای امیرالیزمی اخیر، بکار دیکر خوبی به سوده‌های آموزدگانه حفظ و بازسازی دستگاه دولتی رژیم شاه (ارتش و دستگاه اداری) که توسط دروختان فوق در هیئت حاکمه صورت پذیرفته است، همواره امکان استوار ریزی سرمایه‌داران بزرگ و وابسته به امیرالیزم نتایج می‌کند، در بین خود می‌بروزاند و ارتش ضد خلقی که در جریان قیام مردم نام ارتش اسلامی را بر خود نهاده است مرکز ثقل و میزبان حاکمانه خلق این امکان می‌یابد. اینک واقعیت کودتا، حفاظت شعار

های انقلابیون راستین و ارجمندمان "فدائیان خلق" را که خواستار نابودی ارتش ضد خلقی و برپایی ارتش خلقی بوده‌ایم، به توده‌ها نشان می‌کند.

کنف و سرکوب شبکه مزدوران کودتاگر یعنی پایان چنین توطئه‌هایی نیست، وظیفه نیروها و سازمان‌های انقلابی و مترقی و بویژه کمیونسپاست که توده‌ها را نسبت بدان آگاه و مستعد کند و آوازی را در جهت بسیج مسلمانان توده‌ها در شرایط حقیق کودتا فراهم نماید.

بررسی مواضع و سیاست جناح‌های اصلی و قدرتمند حاکمیت یعنی لیبرال‌ها بر همیاری بی‌شمار سران حزب جمهوری اسلامی، در رابطه با جریسان سرکوب و طرح کودتا بیش از هر چیز خارج از اهمیت است.

این دو جناح که اساساً "بزرگترین قدر برتر، منظور سازمان‌دهی و تجدید سازمان‌دهی مناسبات سرمایه‌داری وابسته موجود، مدنیه است که فرایست بر خاسته‌اند، از همان ابتدای اعلام خبر کودتا

بطور ضمنی علیه یکدیگر به وضع گیری پرداختند. آنان که بر اصول بازاری ارتش ضد خلقی یا یکدیگر "مبتنا و وحدت" هستند، اینک برای کسب امتیازات جدید در ارتش‌های حکومتی، یکدیگر را مسئول و زمیندار کودتا معرفی می‌کنند. این جریسان جلوه دیگری از اختلافات درونی هیات حاکمه را به نمایش گذاشت.

رئیس جمهور که از مدتها پیش بر سر تعییست فرماندهان ارتش با سران حزب جمهوری اسلامی اختلاف نظر پیدا کرده بود، برای توجیه سیاست خود در زمینه بازسازی ارتش یعنی ایفای فرماندهان مزدور در برابرترین بیست هاورده‌های ارتش از یکسو اتحاد و نظام و اطاعت گورگورانه سرکوب و اخراج بر سرسل انقلابی از سوی دیگر، فرمانده جدید نیروی هوایی ( سرهنگ قفوری ) را بر همه‌ایکی از مسئولین سناه پاسداران بعنوان مفسرین جریان کودتا به بینندگان تلویزیون معرفی کرد. فدائی از روز رئیس جمهور است دروغ‌چینی تأیید، رئیس جمهور حتی تا کاید کرد که تمسار با قری در کشف توطئه کودتا تر نشی منمهی ایفا نموده است. دلیل عکس العمل آنی رئیس جمهور آن بود که وی از مدتها قبل بدفاع از فرماندهان مزدور ارتش برخاسته و در مصاحبه‌های گجندی پس بعمل آورد نمود، گفت: "دربور دگر جریان این کودتا بهیچا راجع به همین فلاحی صحبت کرد تا نندد که کدام کشف است در هر حال باید از توسل و بقدرت شود... افسرهای دگر که بودند، من از آنها بخدیر می‌گم که کدش نشان هر چه می‌خواهد بوده باشد، یکی از آنها همین سرلنگ با قری است که هر روز بیگ عده‌های با عکس می‌آندند یعنی من که اس‌هم دست ولیعهد را بوسیده در فلان مجلس و از این حرفها... او سبب افروید." اینهاست که به نظر من به مبنوست جمهوری صده می‌زند و ولطمه می‌زند و سوا که بگریسد، سبب این مدتها را از زمانها را نام فایده نمی‌کند. می‌بیند که هر جا ما رفتیم روی خط، اینکه معیوسیت را حاکم کنیم، اینجا قاطع بوده‌ایم. آجاکه خوب کار شده و رونق شده و حرکت شده جلوه رفتیم و هر جا که رفتیم این بازیهار را در آوردند... (اطلاعات بیگ شنبه ۲۵ خرداد ۵۹) آری بنی صدر در مصاحبه، یکماه قبل خود، این چنین بدفاع از فرماندهان مزدور و جلال

و از جمله سرلنگ با قری بی‌بردار و در ارتش روی سبوی ممنوعیت می‌باشد. آیا او اکنون می‌توانست اعتراض کند که سرلنگ با قری این جلال خلقی کرد با کودتا گران ارتباط داشته است؟ رهبران سواری نظامی کودتا، نسمار محقق و نسمار مهدیون را چه کسانی از زندان آزاد کرده بودند؟ هلنگویترهای آمریکا نی در پرسش به دستور چه کسانی می‌مانند؟ آیا اینها همان کسانی هستند که سابقاً دستور می‌مانند شهرها و روستاهای کردستان را صادر کرده‌اند؟ آیا سرکوب رزمندگان کرد و رکنین... جردست فرماندهان امروز و کودتاگران فردا، می‌تواند صورت پذیرد؟ دشمنی بی‌شمار و جریان لیبرالها با کارگران، دهقانان و کله‌ر چمکنان مسلماً "اوپا به نفیست فرماندهان مزدور ارتش و سرکوب پرسنل انقلابی و امیدارد.

اما در سوی دیگر مواضع و سیاست سران حزب جمهوری اسلامی قرار دارد. کشف توطئه کودتا برای آنان فرصت بی نظیری را برای جار و جنجال تبلیغاتی و فرود آوردن ضربت به جناح لیبرالها بطور اعم و رئیس

جمهوری و طرح خص، فراهم آورد. باید تنها هم بی‌شمار جناح او را در ماجرای "نورایت"، با ضربه جدیدی، با سداد او در ارداهان عمومی، به نفع موقعیت خود خوس بی‌اعتبار می‌کردند. در مقابل باید به نقیشت "انجمنهای اسلامی ارتش"، سپاه پاسداران و کمیته‌ها که همانا وسایل حقیقی اعمال قدرت حزب جمهوری اسلامی در دستگاه دولت هستند، افروید.

آنها از همان ابتدای کار، با استفاده از کلیه امکانات و وسایل تبلیغی (راديو، تلویزیون، روزنامه‌ها، کتاب و اسلحه و سحر) تلاش‌های همه‌جانبه‌ای را آغاز کرده و با تبلیغاتی دروغین سعی در فریب توده‌ها داشتند. با نقل صدا انقلابی "سپاه پاسداران" و کمیته‌ها را وارد جلوه داده و تنها دهای قوی را، قهرمانان کشف و دستگیری توطئه‌گران نامندند.

ولی آیا نقش صدانقلابی و سرکوبگرانه ارتش‌های فوج در هجوم مسلحانه به رجمکنان، و در آخرین نمونه سرکوب و کشتن دگر داران، با چنین نتایجی می‌تواند

لا یوشایی شود؟ آنها نظر خنده‌آوری "فدائیان خلق" و محاهدین خلق را بعنوان دست اندرکاران کودتا به مردم معرفی نمودند. در این جریان سیاست آنان از یکسو معیوسیت حمله به جناح لیبرالها به همیاری بی‌شمار از سوی دیگر که در این مورد باید بی‌شمار در صحنه‌های وحدت بنشیند. تنها هم به نیروهای انقلابی و سازمان‌های مترقی سوده است. اما تبلیغات و اعمال فشار صدانقلابی هر چه قدر هم که متمرکز باشد نمی‌تواند واقعاً تا ندگی اجنماعی را، برای مدت طولانی از نظر توده‌ها پنهان بدارد. توده‌ها با فعالیت نیروهای انقلابی و از طریق نجار و سیاسی روز به روز خود هر روز گام جدیدی را در جهت شناخت واقعی ماهیت اجزای و دستجات سیاسی، بر می‌دارند. ماهیت صدانقلابی حزب جمهوری اسلامی نیز بی‌شمار نخواهد ماند.

نتیجه ننگه کشف کودتای مزدوران سرسپرده و وابستگان امیرالیزم و ربح‌های ترین بخش بورژوازی توسط هیئت حاکمه، معرف ماهیت انقلاب و مردمی آن نیست، بلکه سرعکس ماهیت حاکمیتی راستین می‌دهد که با پاسداری از مناسبات دولتی کدش و سوار سازی ارتش‌های سرکوب آن نظماً ارتش ضد خلقی و کارگران زین‌الهای جلال در رژیم شاه در دست‌های عالی‌رتبه‌های، به انقلاب و توده‌ها حمایت کرده‌اند. فریب گوسپی نمی‌تواند، این حقیقت را نفی کند.

## تحریکات پاسداران...

بقیه از صفحه ۱۲

شاه‌نوری را دیو تلویزیون و مطبوعات دولتی علیه سازمان‌های مترقی بی‌شمار ماهیت‌های تبلیغی می‌برد و طبعاً عیب‌های فاش را، سرکوب ها و اعدا می‌دهد و کوشش‌ها علیه مملکت دست مقاومت علیه حسن‌اعمالی رده‌ها و احزاب سده‌ها که آنها را حتی هر آنچه می‌خواهد انجام دهد، حاسی که در بار یکم دست سپاه پاسداران ایفای اعدا نکند. دگر جریان حزب جمهوری اسلامی را از آگاهی بوده‌ها و دشمنی و خصومت آنها را با سردهای مارزوانقلابی نشان داد و بکار دگر تا کدگان و علم و عقیده آزادمنه دست‌های فاش که به دست چون دغا هزار سپید است، یکی پس از دیگری مورد سهاجم است. اما این ایفای از سونی دگر زوجه مقاومت و مردمی مردم را به سهاجم کرد از آنها سهاجم علیه هم فشار و سوار سهاجمی مگر ما سهاجم ماوست کرد و سیدو استراکی سوده و سهاجمی روجه مبارزای خود را سهاجم دادند.

امروزه هواداران مار سهاجمی انقلابی تا کتک و همکار می‌مردم مارزبان یک موق سده‌ها سهاجم دگر با احاد ما سهاجم و سروس کات و بوسه‌ها را سهاجم سحت و سادل خطر سراسون مسائل سیاسی و فوفا می‌کند در مملکت‌های می‌کرد و طبقه انقلابی خود را اعدا نمود و کسب سهاجمی سبب مملکتی، مطامع را از انکار اسان دهد. و اس خود درسی است برای همه دستمکنان و مدافعان شعار استقلال، کار، سکن، آزادی که اتحاد کاعروسی سهاجم را سهاجم عکس و بوسه در غلط محلیت سهاجم می‌کند دگر اسکان سزارام، در جهت همسوس و کسرس سهاجم سوده‌ها کوسد

### حاکمیتی که طی یکسال و نیم هیچ‌گام مؤثری در جهت حل مشکلات مردم برنداشته،

حاکمیتی که به خواسته‌های برحق خلقهای رجمکنش با توب و نالت پاسخ میدهد،

حاکمیتی که سیستم گذشته را بازسازی می‌کند و دستاوردهای قیام را نابود می‌سازد،

حاکمیتی که نیروهای انقلابی و فرزندان راستین خلق را ضد انقلابی می‌نامند،

و بالاخره حاکمیتی که به جای ایجاد کار و کاهش بیکاری، به ده‌ده‌داران و بساطداران

بی‌سرمایه بورش می‌برد و آنها را بیکار می‌کند، حاکمیت خلقی و انقلابی نیست.

سازمان حرکتی فدائیان خلق ایران

فدائیان خلق میگویند:

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

# پیروزی کارکنان سازمان آب در گرفتن حق مسکن

کارگران و کارمندان سازمان آب تهران هفته اول تیرماه، با طرک شدن حق مسکن و اضافه کاری، دست به تظاهرات زدند. اعتراض کارکنان سازمان آب از اوایل خردادماه شروع شد که ابوالحسن کاشانی (پسر ابوالحسن کاشانی) و عضو مؤثر حزب رستاخیز آریامهری (پسر مدیرعاملی سازمان آب) انتخاب شد و معسولان اولین اقدام خود، شورای واپسینی کارگران را که بعد از قیام شکل گرفته بود منحل کرده و اعضای شورای اداری مختلف سازمان را برگزیدند که تا آن زمان تنها با شش نفر بود. بعد از مدتی نیز اعلام میکنند که طبق دستور دولت حق مسکن و اضافه کاری لغو میشود. یعنی بطور متوسط بیجا در صد از دریا فتنی کارکنان کم میشود.

روز هشتم تیرماه که کارگران لیست حقوقی خود را دریافت میکنند سلاطین جلوه قدرت کاشانی جمع میشوند. کارمندان نیز به آنها میپیوندند و همگی اعلام میکنند رسیدن به خواست های خود دست از کار میکشند و فقط کارکنان بیست های مهم، با خطرناک ترین رفتار مردم بکار خود ادامه میدهند. آنها کاشانی را وادار میکنند که او نیز به مواضعه بیاید و می گویند بنوعی ما باید بیل ما زیر آفتاب بماند. کاشانی در این مدت سعی میکرد خود را بیگناه جلوه دهد و با وعده و وعید کارکنان را اعتماد بی را فریب بدهد ولی آنها که از قبل ما بهیت او را میشناختند مصرا نه میخواهند که بکارشان رسیدگی شود. با بداران مراقب کاشانی سعی میکردند و او را از تاجا بیرون بولنی موفق نمیشوند. صبح روز نهم ضمن اینکه بر تعداد بداران افزوده شد. کاشانی گفت من حق مسکن را می توانم بدهم ولی بقیه اش از عهده من خارج

است. با بداران میکشند ما به هر قیمتی شده امروز کاشانی را با خود میبریم ما کارگران با مقاومت و اتحاد خود مانع میشوند. آنها میگفتند " اینها هم کردستان است که بخوابید همه ما را بکشید؟ " شروز غروب و دروغ بر سر ما طپان می زدند و کاشانی که خود را نشانها چندان بنشیند و روزی سر و سرو معرفی میکردند، آمدند و خواستند کارکنان نماینده خود را معرفی کنند. کارکنان بعد از کمی صحبت متوجه شدند که طپان کاشانی دروغ میگوید و از طرف حزب جمهوری آمده است. رئیس جمهور و او را تحویل یا ساداران دادند. با لاف زدن روزیوم دکتر معفریان نماینده رئیس جمهور به سازمان آب مدرک گرفت نماینده معرفی کنند، کارکنان با زهم خود داری کردند و گفتند نماینده ما را دستگیر و با زداشت میکنند معفریان خواست های آنها را که شامل:

- ۱- بازگشت حقوق به ما را ردیبهشت
- ۲- برکناری کاشانی
- ۳- برقراری مجدد شورای واقعی کارکنان
- ۴- پیاده شدن طرح طبقه بندی روزیوم

بوده دفتر رئیس جمهور بر روی ظاهر همان روزیوم کشت و گفت این خواست تحت رسیدگی است و خواست کارکنان سرکار خود میروند. کارکنان و کارمندان اعتراض کردند این با رینستور نماینده انتخاب کرده و نیز در رئیس جمهور فرستادند. آنها پس از مذاکره برگشتند و گفتند رئیس جمهور قول داده تا شنبه بکارمان رسیدگی کند.

بعد از این مبارزات، حق مسکن کارکنان بطور کامل پرداخت شده یعنی ۱۰۰۰ تومان حق مسکن کارکنان و ۷۵۰ تومان کارمندان اما در مورد بقیه خواست ها هنوز نتیجه ای گرفته نشده است.

هیئت حاکمه دست به اقدامات وسیع ضد مکرانیک علیسه بوده های مردم سازمانهای انقلابی زده و بیکرد وسیعی را برای بازداشت فرزندگان تشریفات وابسته به سازمانهای مترقی از جمله نشریه "کار" آغاز کرد اما تکره های فالانتر حزب الهی "بهرامه ماوران کیمینوسیا با ساداران، همعادی سبال فرزندگان تشریفات کار هستند، این اقدامات، با بیکر تشریس و وحشی است که هیئت حاکمه را گامه نندن نود معادارد و بیوز غشی کشریه "کار" در افتای ماهیت هیئت حاکمه آگاهه کردن نود معاداری می کند.

با فروسی هر چه بیشتر آگاهی نود معاداری مردم، ماوران کیمین و با ساداران دست به بشو معاداری میزند که در گذشته ماوران ساواک برای سرپوش کردن بر رفتارها بکار خود پیش می گرفتند، حتما "خطا دارد بدینکار" که آنها قصد بیکردی سرپوش های ماوران انقلابی را استناد از ترس مردم فریاد میزدند که آنها با قیامی یا در دستند و جدی پیش میروند که ماوران کیمین با ساداران دورترین هنگام فروتنی نشریه کار و روزیوم دانشگاه دستگیر کرده

## نمونه ای از حمایت مردم از نیروهای انقلابی

نودید در ریاح مردمی که از کجوتکی حیران جوایمی شدند، میگفتند " این نودید در هستند، این شیوه برخورد چیزی است که ما معنادار، با بیکر این است که هیئت حاکمه سن اربیش ناگهان خود را در میان نود معاداری دم از دست میدهد، نمونه ای از این بود که هیئت پیشانی افتاد بیکار دیگر این حقیقت را به اشانت میسازد که مردم بطور مقابل شیوه های فاشستی و سرکوب آراد سپاه دستاوردهای قیام می استند. حیران واقعه این قرار بود که:

یکی از رفقای هوادار ما زمان هنگامیکه در میدان ولی عصر، شتول فروش روزنامه "کار" بود، توسط تعدادی فالانتر "حزب الهی" و یک حبیب کیمینوسیا سرش من محاصره شد. آنها قصد داشتند فین را دستگیر کرده و با خود ببرند، اما حدود ۲۰ نفر از مردم دور آنها جمع شدند و مانع آن شدند. که ماوران کیمینوسیا را بپویر ما نشان کرده و خود سرند. در این موقع یکی از ماوران کیمینوسیا کیمینوسیا سلاح های که در دست داشت چند تیر هوایی شلیک کرد، اما مردم به تنهایی منفرد شدند، بلکه در فراری دادن رفیق جدی تر تدویدند آنها با فراد و خشم میگفتند، بز، بز، مارا کس، ماور کیمینوسیا دوباره محو است شلیک کند سلاحش گریزد، مردم طرف او هجوم بردند، او بارنگ بریده، بدیوار روبروی سنا بیکه کرد در حالیکه سلاحش را ب طرف مردم گرفته بود فریاد میزد فرار کرد، فرار کرد " دران موقع مردم رفیق را فریاد دادند و او را بداخل کچه و روبروی سنا بردند، ماور کیمینوسیا که در داخل حبس بود در طرف کچه حمله کرد، اما مردم ربحر و روبروی رده دستگیر کردند، در این هنگام یک موتور سوار، رفیق را سوار کرد، او را بر معرکه خارج شد. این نمونه و نمونه های دیگر بیکار دیگر هیئت حاکمه نشان می دهد که در مقابل نیروی انقلابی نود معاداری مردم و حمایت آنها از نیروهای انقلابی، بوزی ها و روز ۳ های ماور کیمینوسیا تشریت.

## کمک های مالی دریافت شده

الف	۱۱۱۱	۸۸۸۸	۹۱۲
ب	۱۲۱۸۹	۱۰۲۱	۱۴۴۷
ج	۴۶۴۶	۱۰	۳۹۵۶
د	۴۵۰۲۲۸	۱۰	۵۰۸۸۸
هـ	۵۱۲۳	۵۰۱۲	۵۲۰۰
و	۵۳۰	۱۲۰۸۴	۲۲۰۰
ز	۲۳۳۲	۱۰۰۱۰	۶۹۹۹
ح	۲۳۳۲	۵۰۶۲	۲۰۱۱
ط	۵۱۱	۱۱۱۱۰	۷۷۷۷
ث	۲۰۲۲	۵۰۲۲	۵۳۳۳
ج	۱۰۱۲	۱۵۰۰	۱۷۸۹
چ	۲۷۹۰	۱۲۳۸۲	۵۰۱۱۱
ح	۲۰۳۳۳	۳۰۱۰	۱۲۱۸
ط	۲۰۳۳۳	۲۰۳۳	۲۵۰۶
ث	۲۰۳۳۳	۶۱۰۲	۴۰۱۲۳
ج	۴۴۴۴	۱۸۰۱	سی کد
ح	۵۵۵۵	۶۶۶۶	۲۴۴۰

## کارگران شرکت "آریکان" میگویند شرکت باید ملی شود

کارگران شرکت ساختمانی "آریکان" واقع در ۵۵ کیلومتری حاده سیدنا سورا، جندی پیش بواستند اضافه دستمزد، حق مسکن و حق جوارگ را از شرکت دریافت کنند. کارگران این شرکت که ۲۵۰ نفر هستند مدتها بود خواهش های خود را نگه می داشتند. ۱- اضافه دستمزد روزیوم ۲- پرداخت حق اولاد ۳- رسیدگی به وضع خوابگاهها (که در اطراف آن کوچک چهار نفره است) ۴- رسیدگی به وضع سالی غذا خوری ۵- معطل کردن سجنه ها ۶- پرداخت دستمزد کارگران هر بار در روز یکبار (در حال حاضر هر ۲۵ روز یکبار دستمزد پرداخت میشود). و با همه دستس کارگاه در مان گذاشته بود بعد از مدتی بی وجهی، تصمیم گرفتند دست از کار بکشند. دوس میامده آنها نامهای ملکی و جانی در جمع کارگران گنجد چون این روسا به معاضات های ما رسیدگی میکنند، ما آنها را خطا میگویم اگر مردان ما را می که ما این خواست ها را رسیدگی نکنند حق نداریم وارد کارگاه شوند و در صورتی که ما هم از اسکا خود داری کنند ما این شرکت را بنوعی حاکمان صادره می کنیم. صبح آن روز بحای روسای

## دری اخبار برچیدن

های کنار خیابان؟ آیا از نظر شما افرادی که اقدام به نصب دکمه زنده ها، نمودن جزو مردم زحمتکش ما نیستند؟ آیا همین بناط های کنار بفریشان کنار خیابان نبودند که سهیم عمده ای در رشد آگاهی مردم در زمان انقلاب داشتند، و حتی در سخت ترین شرایط و در حکومت نظامی در زیر بار مبارزات شاه اقدام به این کار میکردند ما قضاوت در این مسئله را به عهده مردم میگذاریم.

۳- در رابطه با از بین بردن زیباییات شهر، ما این گفته شهردار را با گفته شاه خائن هیچ فرقی نمیگذاریم که میگفت برای اینکه پیش میمانان خارجی سر افکنده نشویم باید خیابانهای پاکیزه داشته باشیم، همان خیابانهای که به میمانان بی خانمانی میپوشانند فریاد مردم زحمتکش ما تمام شده بود، ما میبوسیم شما خیابانها را

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

# گرامی باد ۲۳ تیر...

بنفیه ۱ ز صفحه ۱

بعنوان عمده‌ترین انحرافات جنبش کارگری خودنمایی می‌کند، اینک که مار دیگر "سران و رهبران" اپورتونیست راه - دنباله‌روی و دلجویی از بورژوازی رادریپش گرفته‌اند و پشت میز مذاکره جهت رد و بدل کردن امتیازات می‌نشینند و در حالیکه مثلا "شورای نفتگران قهرمان یا لایشگاه تهران با تکیه حمایت بدریغ نفتگران از خود عملاً" رو در روی معین فرو دادستانی انقلاب قرار میگیرند و آنها را وادار به پذیرش نظر خود می‌نمایند و از فرستادن نمایندگان خود بدادستانی انقلاب و باید دفتر معین فرخود داری می‌کنند، اینک که سایر دیگر سازشکاران در بین "بالائی ها" بدنیال متحدی برای کارگران و زحمتکشان میگردند و بدون توجه باینکه آنها میکوشند حتی ابتدائی ترین حقوق کارکنان نفت را نادیده بگیرند و مثلا "از بستن پیمان ده‌جمله" که هر سه سال یکبار بسته میشد و در آن حقوق قانونی کارکنان شرکت ملی نفت منظور میگردد، برهیزی می‌کنند، سعی در جلب نظر آنها بر هر قیمت دارند، اینک که اپورتونیستها میخواهند مسازرات ضد امپریالیستی طبقه کارگر، این بگیرند و انحرافی ترین طبقه را به انحراف کشانند و بهمراه آن سیاست مستقل پرولتری را فراموشی سپارند، شاید که بهترین یادبود و بهترین بزرگداشت برای شهدای قهرمان ۲۳ تیر ماه سال ۱۳۲۵ موری و روایع آن دوره از مبارزات طبقه کارگر و برررسی نقش اپورتونیسم راست در شکست کشاندن این مبارزات باشد.

در مقطع جنگ جهانی دوم (۲۴ - ۱۳۱۸) که ضعف و از هم پاشیدگی هیئت حاکمه رشد تضادهای امپریالیستها و آسوی دیگر قحطی، گرسنگی، تورم و بیکاری جامعه را بسواد بحران شدیدی سوق می‌داد. درین مقطع تحولات و تغییرات عظیمی در جنبش کارگری ایران بوقوع پیوست. ارسال ۱۳۲۳ اتحادیه‌های کارگری متحد بگر پیوستند "شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران" را بوجود آوردند. با تشکیل این شورا مبارزات متشکل طبقه کارگر دامنه وسیعی یافت، در عین حال بوجود آمدن شرایط نیمه دموکراتیک، در این سالها باعث شکل‌گیری گروه‌های بسیاری گشت. درین مقطع "حزب نوزاد" نیز اعلام موجودیت کرد. اما این "حزب" نه در گوران مبارزات شکل گرفته‌ده، صحنه‌ها د

طبقاتی آیدیده شده بود. بحران اجتماعی حاکم و روی آوردن توده‌های ملیونسی بصحنه مبارزات طبقاتی باعث میگشت که این "حزب"، در پناه شعارهای دموکراتیک بتواند توده‌های وسیعی را جلب کند و رشد یادکنکی پیدا نماید. رهبری شورای متحد در دست اعضا حزب توده ایران بود. سیاست دنباله‌روی کور-گورانه حزب توده از حزب کمونیست شوروی باعث میگشت که دیالکتیک مبارزه طبقاتی در آن مقطع توسط رهبران آن درک نشود و بخاطر اتحاد تاکتیکی شوروی با امپریالیسم انگلیس در جنگ جهانی، حزب توده نیز مبارزه با امپریالیسم انگلیس که در آن مقطع تضاد عمده جامعه بود کم بهیاد دهد. همین علت و بر اثر کم بهیاد دادن مبارزه ضد امپریالیستی در دوران جنگ دوم و تا سال ۱۳۲۳ "حزب توده" بخصوص از گسترش سازمانهای کارگری در مناطق نفت خیز جنوب که تحت اشغال انگلیس بود خودداری نمود. از همین مرحله است که اپورتونیسم حاکم در حزب توده تاثیرات خود را اشکلی مشخص برجسته نشان میدهد. "حزب توده" بجای آنکه "پیشرو و رولتاریا" باشد بیان صریح و کاملاً درست خود را همنامی "کارگران"، دهقانان، روشنفکران، کارمندان، تجار و غیره (۰) باشد، بر اثر جایگزین کردن تضاد عمده جهانی بجای تحلیل مشخص از تضاد های درونی به‌هم‌اشات برخورد های چندارومریم با امپریالیسم انگلیس می‌پردازد و مشخصا جلوی رشد جنبش کارگری را در مناطق تحت سلطه انگلستان می‌گیرد.

رشد مبارزات خلقهای ایران و بخصوص اوچگیری نهضت کارگری در مناطق نفت خیز شرکت انگلیسی و دولتی انگلستان را به وحشت انداخت و در سپتامبر ۱۳۲۴ هیئتی انگلیسی از طرف مجلس انگلستان برای برررسی و گزارش اوضاع ایران بخصوص مبارزات مردم در خوزستان عازم ایران شد. در ازمایش ۱۳۲۵ نیز هیئتی از طرف دولت برای بررسی اوضاع به خوزستان اعزام شد. در هنگام بازرسی این هیئت اعتصاب ۱۰ هزار نفره کارگران نفت آعاجاری آغاز گشت. خواست کارگران علاوه بر خواسته‌های صنعتی بر سریت شناخته شدن اتحادیه کارگری و آزادی قلم و بیان و اجتماعات بود. شکست

انگلیسی دست به محاصره نظامی محل دستگیری فعالین اتحادیه زد. در اثر این اقدامات تمامی کارگران ایران بکشم آمدند. بنابه دعوت شورای متحد مرکزی در تبریز همدان - زنجان - شاهسی - قزوین - چالوس و سایر شهرها اعتراضات و نمایشهای وسیعی به پشتیبانی از کارگران نفت برگزار شد و کارگران تمامی مناطق نفت خیز تهدید به اعتصاب نمودند.

پس از ۱۱ روز مبارزه پیگیر و سخت بالاخره دولت در خرداد ۱۳۲۵ مجبور به تصویب قانون کارگشت. در این قانون ۸ ساعت کارروانه، تشکیل صندوق تعاون و قبول اول ماه به معنوی تعطیل رسمی یا پرداخت دستمزد گنجانده شده بود.

شرکت نفت از اجرای قانون کار طرفه می‌رفت و بدین سبب ۱۵۰۰ نفر از کارگران نفت تهران دست به اعتصاب زدند. شرکت در عین اجبار به تن دادن برخی از خواسته‌های کارگران عملاً با استفاده از حمایت بی‌شائبه دولت مرکزی به حقوق کارگران همچون ناهمبندی تمیذاد، از سوی دیگر شرکت با پرداخت پول و اسلحه به سران مرتجع قبایل و عشایر خوزستان دست به تشکیل اتحادیه‌های به نام "اتحادیه‌های خوزستان" زد. کلاً "شرکت انگلیسی نفت برای سرکوب مبارزات کارگران از تمامی امکانات نظامی از جمله تهدیدات خارجی بوسیله اعزام نیرو و ناوهای جنگی، ارتش رضاخانی، پلیس و شهرپایی خوزستان و... سود می‌برد. در این امر از همکاری بیدریغ روسای پلیس و استاندار مزدور خوزستان (مصباح فاطمی) برخوردار بود. در عین حال در مواقع لازم از اتحادیه‌های خوزستان، برای سرکوب و اعمال فشار استفاده می‌کرد.

در تاریخ ۱۱ تیر ماه ۱۳۲۵ شش هزار کارگر نفت آبادان برای احقاق حقوق پایمال شده خود علیه سیاست‌های تجاوز کارانه دولت امپریالیستی انگلیس و شرکت نفت اقدام به اعتصاب زدند. تمام کارگران مناطق نفتی جنوب نیز پشتیبانی خود را از این اعتصاب اعلام داشتند و در روز ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۵ اتحادیه کارگران نفت طی اعلامیه‌ای خواسته‌های کارگران را به این شرح اعلام کرد: برکناری و اخراج مصباح فاطمی استاندار خوزستان، نوکر شماره یک و خلق سلاح اتحادیه‌های خوزستان، منع شرکت نفت از مداخله در امور سیاسی ایران، تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری - منحل شدن اداره خدمات سیاسی (یعنی جاسوسی) نفت و اخراج سران آن از ایران و اجرای کامل قانون کار.

بدین ترتیب کارگران با طرح خواسته‌های سیاسی خود نوک نیز حمله را مستقیماً بسوی امپریالیسم انگلیس و عمال دست‌نشانده‌اش در ایران متوجه ساختند.

کمیته اعتصاب که از طرف شورای ایالتی اتحادیه‌های کارگران خوزستان انتخاب شده بود در ساعت ۵ صبح روز ۲۳ تیر از ساعت ۶ صبح اعتصاب عمومی در سراسر مناطق نفتی جنوب آغاز خواهد شد. در ساعت ۶ این اعتصاب که کلیه کارگران و کارمندان مناطق نفت خیز جنوب بجز کارمندان بیمارستانها، آب‌پوش و آتش-نشانی را در بر می‌گرفت آغاز گشت.

تمام کارگران و کارمندان ایرانی، عرب، هندی و غیره که بالغ بر ۱۴ هزار نفر می‌شدند بطور یکپارچه در اعتصاب شرکت کردند و بیشکلی بر شکوه همبستگی کارگران را به نمایش درآوردند این اعتصاب از نظر تعداد شرکت کننده و مضمون سیاسی خواسته‌های طرح شده از بزرگترین اعتصابات تاریخ جنبش کارگری ایران است.

دولت اعتصاب را غیر قانونی دانست و در سراسر خوزستان حکومت نظامی اعلام کرد. ارتش یا لایشگاه آبادان را اشغال نمود و از راهزنی و نیروی نظامی زیادی به مناطق نفت خیز اعزام گشت.

"اتحادیه‌های خوزستان" که توسط انگلیس‌ها مسلح شده بود، بهمهراه فرمانداری نظامی آبادان سرگرد فاتح و رئیس شهرپایی سرهنگ لغالی - که مبلغ ۲۰۰ هزار ریال رشوه دریافت کرده بودند - سه کارگر را حمل‌هواور شدند. زرد خورد خویشین کارگران با اتحادیه‌های خوزستان ارتش تا ۱۲ شب بدر ازگشت. بر اثر حملات مسلحانه به کارگران ۴۷ کارگر شهید و ۱۷۳ نفر زخمی شدند.

دولت انگلیس نیز بسرعت دست به اقدامات تجاوز کارانه شدیدی زد. در روز ۲۶ تیر ماه کشتی جنگی انگلیس به آبادان آمد و در ساحل شط العرب لنگر انداخت. سربازان هندی بسیاری برای تهدید به بصره اعزام شدند و بدین صورت تهدیدات دولت انگلیس روزه فزونی نهاد. کارگزاران و زحمتکشان ایران در تمامی شهرها دست به میتینگ‌های وسیع زده همبستگی خود را با کارگران مبارز نفت اعلام نمودند.

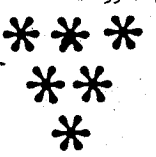
در این شرایط یعنی در اوج مبارزات کارگران ایران برضد امپریالیسم انگلیس و مزدوران و دست‌نشانده‌گان داخلی است که دولت ایران بدست و پسا می‌افتد و "حزب توده" نیز در اثر اپورتونیسم حاکم بر آن با اتحاد

امید "حل مسالمت‌آمیز" مسائل دست در دست دولت به "خواباندن" جنبش میبرد. دولت ایران فوراً "هیئت مرکب از معاون نخست‌وزیر، وزیر بازرگانی و نمایندگان شورای متحد مرکزی که از رهبران حزب توده بودند (رضاراد منشورضا روستا) به خوزستان اعزام می‌کند. معاون نخست‌وزیر بر می‌آید و تمام بهانه‌ها در میتینگ ۳ هزار نفره کارگران آبادان وعده میدهد که خواسته‌ها را مورد رسیدگی قرار داده زندانیان را آزاد خواهد نمود. رازدین منشورضا نمایندگان را دعوت به سکوت و صبر نمودند و دولت بتواند به خواسته‌ها رسیدگی کند! ایندینسان اعتصاب بزرگ کارگران نفت خاتمه پذیرفت.

دولت ۳ روز پس از قطع اعتصاب بزور عده‌های خود زد و یورش علیه کارگران را پیش از پیش شدت خشید، اعضاء اتحادیه‌های کارگری دسته‌دهسته توقیف شدند. چندین هزار نفر از فعالین نهضت از کار اخراج گشتند در حدود ۵۰۰ نفر از هندی‌ها به کدر اعتصاب فعالانه شرکت داشتند از خوزستان تبعید شدند. دولت کارگران را مجبور به سرکوب اتحادیه‌های کارگری نمود. استاندار خوزستان دستور داد که به اعضای اتحادیه‌های کارگری کار داده نشود. سازمان خدمات سیاسی (جاسوسی) کمیاتی نفت برای مقابله با اتحادیه‌های کارگری دست به تشکیل اتحادیه‌های "زرد" زد که بطور کامل تابع سیاست‌های کمیاتی انگلیسی بودند.

دولت قوام که روز ۸ تیر همانسال برای مقابله با جنبش کارگری و چپ و بدستور اربابان امپریالیستی حزب به اصطلاح دمکرات ایران را تشکیل داده بود در تهران و سایر مراکز کارگری دست به تشکیل اتحادیه‌های زرد زد. علاوه بر این دسته‌هایی به نام "گروه نجات" تشکیل شد که افراد این دستجات شبیه فاشیستی با پشتیبانی کامل دولت و مرتجعین به فعالین نهضت کارگری و جنبش دموکراتیک حمله و تعرض می‌کردند.

ولی کارگران با زهم به مقاومت و مبارزه خود ادامه دادند و علیرغم فشارهای بسیار زور بود به احزاب دولتی و اتحادیه‌های دروغین خود داری نمودند. تا اوم مبارزات دلیرانه کارگران نفت در اوچگیری مبارزات کارگری برضد استعمار انگلیس در سال ۱۳۲۹ تبلور می‌یابد.





# مساله كردستان و موضع ما (۱) را بطنه جنبش طبقه كارگر و جنبش خلقها

مرکزی در این باره  
بپردازیم و نظرات و  
تحلیل خود را در مورد  
این مسئله ارائه دهیم.  
نخست به انتشار بخشی  
از نوشته ارائه شده به  
پلنوم سازمان که بیانگر  
نظرات مورد مذاکره ما  
در پلنوم بود، اقدام  
می‌کنیم و در شماره‌های  
آینده بطور مفصل بسنه

بررسی مسئله کردستان  
و جوهر پورتونستیستی  
نظرات کمیته مرکزی و  
استراتژی و تاکتیک ما  
در قبال جنبش مفاومت  
خلق کرد می‌پردازیم.  
لازم به توضیح است  
که این نوشته بهنگامی  
در مهر ماه ۱۳۵۸ به پلنوم  
ارائه شد که جنگ دوم  
کردستان و حمله همه‌جانبه  
هیئت حاکمه به نیروهای  
انقلابی و مترقی آغاز  
شده بود. این نوشته که  
بخشی از آن در این شماره

پیروزیهای سهل الوصول  
سودای سرنگونی بلاواسطه  
حاکمیت کنونی را در سر  
می‌پرورانند، مرزبندی  
های روشن و مشخص داریم  
عادلانه و بحق بودن  
مبارزات خلق کرد، شرکت  
فعالانه و دفاع آزایی  
مبارزات را بهمانه  
وظیفه انقلابیون راستین  
مسجل میسازد. مسئله  
دیگری که اهمیتش کمتر  
از مسئله فوق نیست،  
اینست که شرکت در این  
مبارزات با چه هدفی و با

ناشل آید، باید گفت که  
تاریخ از پیش بر می و  
برنامه‌های متکی بر  
چنین استنباط غیرعلمی  
باشد، مهرشکست کوبیده  
است.  
بدون برقراری  
دموکراسی توده‌ای در  
ایران، خلق کرد به  
خواستهای واقعی خویش  
دست نخواهد یافت.  
سیاستی که تحقق  
خواستهای واقعی خلق  
کرد را در چارچوب محدود  
کردستان ممکن دانستند  
و با طرح شعارهای سرگونی  
جنگ در کردستان را با  
هدف سرنگونی بلاواسطه  
حاکمیت کنونی به پیش  
می‌برد، نمی‌تواند سیاسی  
مبتنی بر تحلیل علمی  
از شرایط عینی و  
استراتژی صحیح باشد.  
هر چند که هدف نهایی

را برگزیده‌اند.  
ما قبلاً "با بررسی علل  
اجتماعی و طبقاتی  
مبارزات خلق کرد نشان  
دادیم که مبارزه و  
مقاومت خلق کرد  
مبارزه‌ای بحق و  
عادلانه است و یگانگ  
سیاست صحیح پرولتری  
در قبال مبارزات خلق  
کرد، دفاع از این مبارزات،  
شرکت فعالانه در آن،  
کشاننده توده‌ها به عرصه  
عمل انقلابی، سمت‌دهی  
انقلابی و سازمان‌دهی

مبارزات ضد  
امپریالیستی -  
دموکراتیک خلقها تحت  
ستم میهن مان هر روز  
عمق و گسترش می‌یابد و  
مبارزات حق طلبانه و  
مقاومت قهرمانانه خلق  
زحمتکش کرد، بهمانه  
جزئی از مبارزات ضد  
امپریالیستی -  
دموکراتیک خلقهای  
سراسر ایران جا بجا  
شایسته‌ای در پی کار  
نیروهای انقلابی کسب  
کرده است.  
موضع‌گیری صحیح و  
اصولی نیروهای مترقی  
و انقلابی در باره این  
مسئله تا شیرات سنس  
مهمی در روند مبارزات  
ضد امپریالیستی  
توده‌های زحمتکش و طبقه  
کارگر میهن مان برجای  
خواهد گذاشت. این امر  
تعهدات سنگینی بر دوش  
کلیه نیروهای انقلابی و

مبارزه و مقاومت خلق کرد مبارزه‌ای بحق و عادلانه  
است و یگانگ سیاست صحیح پرولتری در قبال مبارزات  
خلق کرد دفاع از این مبارزات، شرکت فعالانه در آن،  
کشاننده توده‌ها به عرصه عمل انقلابی، سمت‌دهی  
انقلابی و سازمان‌دهی این مبارزات و تبلیغ و ترویج  
دموکراسی پرولتاریائی در بین توده‌های زحمتکش خلق  
کرد است.

سیاستی که تحقق خواسته‌های واقعی خلق کرد را  
در چارچوب محدود کردستان ممکن دانستند و با طرح  
شعارهای سرنگونی جنگ در کردستان را با هدف سرنگونی  
بلاواسطه حاکمیت کنونی به پیش می‌برد، نمی‌تواند  
سیاستی مبتنی بر تحلیل علمی از شرایط عینی و استراتژی  
صحیح باشد.

بجای می‌رسد با توجه به  
زمان کوتاه تهیه آن  
از اختصار و فشرده‌گی  
زیادی برخوردار است.  
ولی چارچوب نظراتی  
است که ما بعنوان اقلیت  
در پلنوم از آن دفاع  
می‌کردیم. این نوشته  
تنها نظر کتبی و ارائه  
شده به پلنوم نیست.  
پلنوم به علت آنکه  
هیچکدام از نظرات  
نمی‌توانست اکثریت  
آرا را کسب کند، تصمیم  
گیری روی این مسئله  
را به کمیته مرکزی محول  
نمود. لازم به یادآوریست  
که در پلنوم اکثریت  
کمیته مرکزی از شرکت  
بدون نام در جنگ کردستان  
دفاع می‌نمود و بحث‌ها  
عمدتاً حول شرکت "با  
نام" یا "بی‌نام" در جنگ  
کردستان بود و ما شرکت  
"با نام" در جنگ کردستان  
مشخص به این مسائل به  
معنای رها کردن مبارزه  
انقلابی و روی برتافتن  
از رهبری انقلابی  
مبارزات توده‌ای است.  
ما پیش از آنکه به  
بررسی نظرات  
پورتونستیستی کمیته

کدام شعارها صوت می‌گیرد  
هدف بلاواسطه جنگ در  
کردستان چیست؟ رابطه  
جنگ در کردستان با  
مبارزه توده‌ها در سایر  
منطقه‌ها چگونه برقرار  
می‌گردد؟ رابطه جنبش  
سراسری طبقه کارگران  
با مقاومت خلق کرد  
چگونه است؟ رابطه  
شرکت کمونیست‌ها در  
جنگ کردستان با وظیفه  
محوری مرحله‌ای آنها  
یعنی ایجاد حزب طبقه  
کارگر به چه نحوی است؟  
رابطه صلح و جنگ چگونه  
است؟ و... و در یک  
کلام استراتژی و تاکتیک  
نیروهای انقلابی چیست؟  
اینها سوالات اساسی  
است که باید بطور  
مشخص به آنها پاسخ  
صریح و روشن داده  
شود. هرگونه تفسیر  
رفتن از پاسخگویی  
مشخص به این مسائل به  
معنای رها کردن مبارزه  
انقلابی و روی برتافتن  
از رهبری انقلابی  
مبارزات توده‌ای است.  
ما پیش از آنکه به  
بررسی نظرات  
پورتونستیستی کمیته

مبارزه‌های انقلابی خلق کرد  
و خلقهای سراسر ایران  
برقراری دموکراسی  
توده‌ای است.  
در شرایطی که بخش  
وسعی از توده‌ها اعتماد  
ناآگاهانه‌ای به حاکمیت  
داشته و از آن حمایت  
می‌کنند، مبارزه خلق کرد  
فاقد ربه سرنگونی قدرت  
حاکمه نیست و هدف  
بلاواسطه جنگ نمیتواند  
سرنگونی آن باشد.  
ما ضمن آنکه با تمام  
توان خویش ما هیت تسلیم  
طلبانه اپورتونسیسم  
راست را در پیشگاه توده  
ها بر ملا می‌سازیم، باین  
قبیل برداشت‌ها و  
گرایشات چپ روانه، که  
بدون تحلیل مشخص از  
اوضاع مشخص کنونی،  
بدون بررسی ترکیب و  
ماهیت طبقاتی قدرت  
حاکمه و موقعیت آن،  
بدون بررسی وضعیت  
توده‌ها و بلااخره بدون  
در نظر گرفتن رابطه  
جنبش خلق کرد با جنبش  
طبقه کارگر و سایر  
خلقهای تحت ستم ایران  
مشله خلق کرد را صرفاً  
در چارچوب کردستان  
از زبانی کرده‌ها و آرزوی

این مبارزات و تبلیغ و  
ترویج دمکراتیسم  
پرولتاریائی در بین  
توده‌های زحمتکش خلق  
کرد است، بهمانه برای هر  
گاه بعزت یورش نیرو  
های سرکوبگر، مبارزه  
خلق کرد به رودررویی  
آشکارا قدرت حاکمه  
به اشکال مسلحانه  
تکامل یابد، وظیفه  
نیروهای انقلابی است  
که به سازمان‌دهی  
اشکال گوناگون مبارزات  
توده‌های زحمتکش  
و از جمله شکل مسلحانه  
آن بپردازند.  
تحلیل تاریخی -  
مشخص مبارزات ملی و  
طبقاتی خلق کرد نشان  
میدهد که این مبارزه  
جزئی از مبارزه خلقهای  
سراسر ایران و حلقه  
لایتنجاری از آن بوده  
است. هرآینه تصور شود  
که مسئله خلق کرد  
میتواند صرفاً "در قلمرو  
ملی" و صرفاً حول مسائل  
دموکراتیک و تاکتیک و  
منفک و جدا از جنبش  
سایر خلقها و بدون پیوند  
با جنبش متشکل طبقه  
کارگران به پیروزی

مترقی، از جمله سازمان  
ما قرار داده است. بویژه  
آنکه با گرویدن جناح  
اپورتونسیست سازمان ما  
به خط و مشی حزب توده  
اپورتونسیست راست  
تلاش همه‌جانبه‌ای برای  
تحریف مضمون اجتماعی  
و طبقاتی مبارزات  
عادلانه خلق کرد و  
تبلیغ فرمیسم و سازش  
طنجائی آغاز کرده است.  
آنها میکوشند قدرت  
حاکمه را انقلابی و ضد  
امپریالیست معرفی  
نموده و با توسل به شعار  
های نظیر "اتحاد حول  
شعار مرگ بر امپریالیسم  
جهانی به سرکردگی امپریالیسم  
آمریکا" و تهی ساختن  
مبارزه ضد امپریالیستی  
از مضمون طبقاتی، خصلت  
ضد امپریالیستی  
و دمکراتیک مبارزات  
خلق کرد را انکار نموده  
و آنها را محکوم کنند.  
آنها در حقیقت با روی  
برگرداندن از مشی انقلابی  
و خالی ساختن سنگر  
مبارزه توده‌ها به بند و  
بست با هیئت حاکمه  
پرداخته و آشکارا راه  
ارتداد از مشی پرولتری

## سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند





## رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش

هستند و اساساً "سیاست پرولتاریائی را نمی فهمند اگر می فهمیدند که مشکل کردن کارگران حصول سیاست مستقل پرولتاریائی با بد انجام گیری و آشکار نیست به مساله کردستان و ارائه سیاست مستقل پرولتاریائی فرار نمی کردند و این همه را هم به اسم توده های بیوای کارگران انجام نمی دادند! خیلی جالب است ارائه سیاست مستقل پرولتاریائی بصورت مخفی و بیسکی میباید که توده های وسیع کارگران از شنیدن آن یعنی آگاه شدنشان از سیاست صحیح پرولتاری غلبه ما سیخ شوند. چرا که هنوز بعین ناآگاهی به رهبری اعتماد دارند و این رهبری بنا به ما هیت اش به کشتار خلق کرده دست میزند و چون توده ها به علت سیاست ناآگاهی سیاست های رهبری را تا نپذیرد نمیکنند پس نباید در مقابل سیاست ارتجاعی موضع بگیریم، چرا که در برابر توده ها قرار میگیریم. این رفقا گفته های لینین را فراموش کرده اند که میگفت: "طبیعی است که ما به هر چه که توده ها میگویند در نمی دهیم چرا که توده ها نیز گاهی و بخصوص هنگام خستگی و خمودگی استثنائی ناشی از زنج و منقبت تسلیم احساساتی می شوند که بهیچ وجه پیشرو نیست " آری ما از تلفیقات و احساسات ارتجاعی توده های ناآگاه پیروی نخواهیم کرد اگر حتی توده های میلیونی سیاست ارتجاعی سرکوب خلق کرد را تا بید کنند. ما دقیقاً "در برابر این تمام ایالات توده ها قرار نخواهیم گرفت و تنها از این طریق است که خواهیم توانست به آگاه کردن توده ها بپردازیم. اگر چنین نکنیم یعنی آگاهی را بمانده آنتی تیز ناآگاهی توده ها قرار ندهیم به سنتز، توده های آگاه نخواهیم رسید. در این صورت ما به دنیا لور توده ها و دنیا لور احساسات و تلفیقات ارتجاعی عقب مانده ترین توده ها بدل خواهیم گشت و در صورت پسا هنگ پیشا هنگ بلکه پسا هنگ توده ها

هستیم. باز کردیم به رشته اصلی سخن یعنی موضوع رابطه جنبش طبقه کارگر با جنبش خلقها. همانطور که گفتیم بدون پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش رها نیبخش خلقهای ایران یا بطور کلی جنبش همگانی خلق نه از انقلاب دموکراتیک میتوان سخن گفت و نه از نبل به سوسیالیزم و ضرورت های اجتماعی - اقتصادی و تاریخی اتحاد طبقه کارگر با سیرا قشار و طبقات خلقی (نیروهای انقلاب) برای تحقق تحول دموکراتیک جامعه و گذار بدون وقفه آن به سوسیالیزم الزام آور میسازد. حال ببینیم این اتحاد چگونه و بر پایه کدام - کدام صورت میگیرد. طی چه پروسه ای ایجاد میگردد. میدانیم که عالی ترین شکل اتحاد و همکاری نیروهای انقلابی در جبهه واحد خلق امکان پذیر است. جبهه واحد خلق اتحاد آن نیروهای انقلابی است که بنا به ضرورت های معین در مرحله ای از تکامل تاریخی و جهت تحول انقلابی در جامعه تشکیل میگردد. در جامعه ما که ساخت اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری و بسته ای دارا است طبقه کارگر نیروی عمده انقلاب را تشکیل میدهد و همانان به اقشار مختلف تجزیه شده اند (پرولتاریای روستا، دهقانان فقیر میان حال و مرفه) ستون فقرات این جبهه را اتحاد کارگران با نیمه پرولتاریای روستا تشکیل میدهد. بدون تاهین رهبری طبقه کارگر در جبهه واحد با عبارت دیگر بدون تاهین همزی پرولتاریائی برجینش متحد خلق پیروزی خلق و برقراری دموکراسی توده ای ممکن نیست. تاهین رهبری پرولتاری در جنبش خلق نه بطور خود بخود و خود انگیخته بلکه در نتیجه تناسب قوای طبقاتی و شایستگی پیشا هنگ پرولتاری در جنبش خلق که انعکاس توان تاریخی پرولتاریاست در رهبری پرولتاری را بر سایر نیروها تحمیل

چيست و بدون آنکه بدانند وظیفه طبقه کارگر در قبال این مساله چه می باشد میتواند واقعاً به کسب آگاهی سوسیال دموکراتیک موفق شود. بنا بر این نه تنها برای پیوند جنبش خلق کرد با جنبش رها ئی بخش بلکه حتی برای بسط شعور طبقاتی پرولتاریائی نیز باید و مجبوریم موضع صحیح و صریح پرولتاریائی در قبال جنبش کرد را تا خود اعلام کنیم. بدون شرکت مارکسیست - لینینیست

بقیه از صفحه ۴

خواهد کرد، این سیاست صحیح پرولتاری و توان پیشا هنگ پرولتاری در پیشبرد سیاست صحیح و ارائه استراتژی و تاکتیک درست و پیشا هنگ بودن عملی آن در جنبش همگانی خلق است که نیروهای دیگر را ناچار بقبول پیشا هنگی و رهبری پرولتاری خواهد نمود. "خود را "پیشا هنگ" و دسته بیسرو با میدان کم است، - باید عمل هم طوری باشد که همه دسته های دیگر ببینند" و تأکید معترف گردند که ما پیشاپیش دیگران میرویم" (لنین چه با بد کرد)

"بنابراین جنبش پرولتاریائی بدون شرکت فعال در جنبش رها ئی بخش یا بدیگر سخن بدون توجه مارکسیست

لنینیست ها به وظایف دموکراتیکشان در قبال جنبش خلق انتظار تاهین رهبری پرولتاری در جنبش خلق انتظاری عبث و بیبهره است این رهبری نه یک بار و خود بخود بلکه در پروسه مبارزه و نشان دادن اثبات شایستگی پرولتاری در در جنبش به دست خواهد آمد.

ها در جنبش خلق کرد و بدون تلاش مارکسیست لینینیست ها برای کاتالیزه کردن جنبش خلق کرد در مسیر صحیح و جنبه طبقاتی بخشیدن به این مبارزات میدان عمل برای نیروهای سازگار بورژوازی و خرده بورژوازی باز خواهد ماند و جنبش خلق کرد به انحراف کشیده خواهد شد و وحدت جنبش خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران خدشه دار خواهد گردید.

اگر تحلیل مارکسیستی نمیتواند راهنمای عمل ما باشد حداقل تجربیات نزدیک بما این درس را خواهد داد، رفقا کاکایت به جنبش خلق کرد عراق نظری بیافکنند تا بدانند بی عملی نیرو ه های مارکسیست - لینینیست در عراق و اتحادیاست انحرافی از جانب حزب اپورتونیست عراق چگونه ملامطفی بازرانی را در اسرا خلق کرد قرار داد آنچه بر سر خلق کرد عراق آمد و چه خونهای میگردرفت. رفقا تصور میکنند با کنار کشیدن خود از کردستان مبارزات توده ها و حرکت تاریخی متوقف میکنند و طبقه کارگر را از درگیر شدن در مساله کردستان کنار میکشند. در حالی که افعیبات عینی خارج از اراده ما عمل خواهد کرد و طبقه کارگر ایران در سایر مناطق چه ما خواهیم چه نخواهیم با خلق کرد پیونددارد.

کردستان بخشی از ایران است و خلق کرد پیوندهائی نزدیک با سایر خلقهای ایران دارد و سالها سال به همراه سایر خلقهای ایران تاریخ مشترکی داشته و همواره تحت ستم حکومت های مرکزی بوده و امروز هم توسط همین دولت مرکزی سرکوب میشود خلق کرد نیز توسط همان بورژوازی وابسته تحت ستم قرار گرفته که خلق عرب و ترک و ... سرنوشت

جنبش پرولتاریائی بدون شرکت فعال در جنبش رها ئی بخش یا بدیگر سخن بدون توجه مارکسیست لینینیست ها به وظایف دموکراتیکشان در قبال جنبش خلق انتظار تاهین رهبری پرولتاری در جنبش خلق انتظاری عبث و بیبهره است این رهبری نه یک بار و خود بخود بلکه در پروسه مبارزه و نشان دادن اثبات شایستگی پرولتاری در در جنبش به دست خواهد آمد.

خلق کرد از سرنوشت سایر خلقهای ایران و طبقه کارگر ایران جدا نیست آیا این دستها زرقا اهمیت مساله را درک میکنند؟ آیا ما در قبال فلان کارگری که مثلاً از کارخانه جنرال موتورز بعنوان پاسدار برای کشتار خلق کرد اعزام میشود و هم خودکشته میشود و هم خلق کرد را سرکوب میکند احساس مسئولیت میکنند؟ آیا فراد که توده های کارگر آگاه میشوند (که حتماً خواهند) از نا بیبند شما در قبال این مسئله چه کردید؟ شما که به اصطلاح پیشا هنگ بودید چرا در جهت آگاه کردن ما حرکت نکردید و چرا جلوی ما را نگرفتید و وظیفه ما را در قبال جنبش خلق کرد تعیین نکردید؟ ما فردا به کارگری که امروز بیعت نا آگاه هیش به کردستان می رود و خلق کرد را سرکوب میکند و دستش بخون کارگر کرد آلوده میشود چه جوابی داریم که بدهیم؟ آیا اگر ما سیاست سکوت را در پیش گیریم نظیر سر کاتوتسکی ها که تحت عنوان دفاع از میهن یا استدلال های نظیر همین استدلال که ممکن است با اعلام سیاست مستقل پرولتاریائی فشار روی ما زیاد شود و ضربات پیخوریم از اعلام سیاست صحیح سرباز

# رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش

بقیه از صفحه ۷

میزنند، اما از اینکسه کارگران موج، موج در کردستان کشته شوند، خم به ابروی خود نمیاورند آیا این رفقا جدا ازتوده نیستند؟ این رفقا تصور میکنند که حزب طبقه کارگر را در اطاقهای گرم و نرم ایجاد خواهند کرد نه در عرصه نبرد طبقاتی، این رفقا تشکیل حزب طبقه کارگر را دور نگه داشتند طبقه کارگر را در نگه داشتن طبقه کارگر از سیاست انقلابی، می خواهند جا مه عمل نبوشانند. آیا این بدترین نوع کونومیس نیست؟ آنها استدلال میکنند که اگر سیاست خودمان را اعلام کنیم چون اکثریت توده های کارگر به حاکمیت اعتماد دارند موضع گیری مابعد تحریک توده ها علیه ما میگردد و در نتیجه از اطراف ما برآکنده میشوند و کار ما مشکل میشود. ما سوال میکنیم، توده های کارگر را برای چه و حول چه سیاسی میخواهیم جمع کنیم، مگر نه این است که ما باید کارگران را حول سیاست مستقل پرولتاریائی متشکل کنیم، و میخواهیم طبقه کارگر را برای نبرد بی امان طبقاتی آماده کنیم، آن کس که تنها به کمیت نیرو توجه کند، بدون آنکه اهداف را روشن کند، مارکسیست-لنینیست نیست، این همان رویز بونیسم-برنشتاینی است که میگوید "جنبش همه چیز و هدف هیچ چیز" که لنین آنرا بدترین شیوه اپورتونیسم میشمارد. فقط تعجب میکنیم که این رفقا با چنین درکی چرا از خمینی طرفداری نمیکنند، زیرا آنکه سیاست خود اکثریت پرولتاریا را جلب خواهند کرد البته اشتباه نشود ما معتقد نیستیم که شرایط اگر سخت تر شود بهتر است نه ابدا، هر چه شرایط سهل تر باشد هر چه دموکراسی (حتی در حدود بورژوازی) وسیع تر باشد بهتر است و طبقه کارگر باید برای کسب (نه کدایی) آزادی های بورژوازی نیز مبارزه کند چرا که پرولتاریا از این آزادی های برای مشکل شدن بد و مهیاشدن زمینه سرنگونی بورژوازی بهره خواهد

مسلحانه علیه نیروهای مهاجم از طرف توده ها روبه گسترش است. طبق گزارشات رفقای کردستان در شرایط مشخص کنونی هر نیروی سیاسی کسه بخواهد بکار سیاسی در کردستان بپردازد ناچار از دست زدن به مبارزه مسلحانه است یعنی بدون دست زدن به مبارزه مسلحانه کار سیاسی و پایه سازی در میان توده ها عملاً غیر ممکن است. و شکل عمده مبارزه مسلحانه در کردستان فعال جنگ پارتیزانی است. با چنین موقعیت عینی و ذهنی که رفقای ما تحلیل کرده اند باید دید هدف از مبارزه مسلحانه در کردستان چیست؟ آیا هدف مرحله ای مبارزه مسلحانه در

یعنی مبارزه مسلحانه در کردستان (با تشکیل حزب در چیست؟) مقدمتاً توضیح دهیم که بنظر ما مبارزه مسلحانه شکلی از مبارزه سیاسی است و با بقول لنین ادامه سیاست است بوسایل دیگر مبارزه مسلحانه خود اشکال متنوعی دارد که از آن جمله تاکتیک "تبلیغ مسلحانه" جنگ پارتیزانی، جنگ منظم قیام و غیره و بنا بر شرایط عینی و ذهنی مختلف و موقعیت های معین شکلی از اشکال مبارزه میتواند بکار

جنگ کردستان در شرایط کنونی نمیتواند سرنگونی حاکمیت را هدف بلا واسطه خود قرار دهد و باید ضمن تبلیغ و ترویج خواسته های واقعی خلق کرد، خواسته های عدالتی را برای برقراری صلح تنظیم نمود.

گرفته شود. مبارزه مسلحانه میتواند هدایت وسیع و سازماندهی توده ها با جهت کسب قدرت سیاسی و با کسب حاکمیت محلی صورت گیرد، حال، ما نمیتوانیم در مرحله کنونی در کردستان مبارزه مسلحانه چه اشکالی میتواند بخود بگیرد و گسترش و تکامل آن چگونه خواهد بود. در کردستان پس از حمله و لشکرکشی ارتجاع و درگیریهای وسیع یک حالت انقلابی حتم فرمات، توده های خلق حاکمیت را نمی پذیرند و آماده اند تا علیه نیروهای مهاجم سلاح بر گرفته و مبارزه کنند. ستگرمی نظامی حاکمیت کنونی در کردستان، مقابل نظامی نیروهای سیاسی (حزب دموکرات کوملسه، سازمان و توده های مردم راکنه پس از قیام مواضع دموکراتیک مهمی را کسب کرده بودند موجب شده است، امروز مبارزه مسلحانه در کردستان پس از اشغال شهرها توسط ارتش و پاسداران بصورت درگیری نیروهای متلح با نظامیان و پاسداران مهاجم و حمله های مسلحانه نیروهای سیاسی صورت میگیرد، در مواردی هم بطور خود بخودی حملات

برای سرنگونی حاکمیت کنونی - نداشتن باقیمانده های مرحله ای مادر کردستان برجسته پایه ای استوار خواهد شد؟ بنظر ما این استراتژی نه سرنگونی حاکمیت کنونی بلکه مبارزه مسلحانه برای بسیج و سازماندهی توده ها و افساء ما هیت رژیم، پیشبرد مبارزه طبقاتی، بیرون کردن نیروهای سازشکار، تشدید تظاهرات، هیئت حاکمه و ایجاد پیوند بین جنبش خلق کرد و سایر خرقه های ایران و جنبش طبقه کارگر و ... میتواند نباشد. بنظر ما جنگ عملاً تا فراهم شدن اعتلا انقلابی در سایر مناطق در منطقه کردستان محدود خواهد ماند. در این صورت مبارزه مسلحانه در کردستان چه رابطه ای با مبارزه در سایر مناطق دارد؟ آیا ما میتوانیم در زمانیکه تاکتیک مسلحانه را در کردستان بکار میگیریم، تاکتیک های دیگری را در سایر مناطق بکار بگیریم؟ بنظر ما چنین امری نه تنها ممکن بلکه ضروری و اجتناب ناپذیر است. مسلماً نمیتوان در دو منطقه که از لحاظ عینی و ذهنی دارای شرایط یکسانی نیستند تاکتیک های واحدی را انتخاب کرد چرا که هدف از اتخاذ تاکتیک های مختلف در شرایط کنونی بسیج و متوقف کردن توده ها و در درجه اول طبقه کارگر است بنا بر این ناچاریم برای بسیج توده ها و دستیابی به ارتباط ارگانیک سیاسی-تکلیاتی با طبقه و توده ها از تاکتیک های مختلف استفاده کنیم اگر ما تاکتیک های مختلفی اتخاذ میکنیم یگانگی تاکتیک پرولتاریا و به خدمت گرفتن این تاکتیک ها را جهت تشکیل سازمان سیاسی سراسری طبقه کارگر چگونه توضیح دهیم؟ بنظر ما آنچه که یگانگی تاکتیک ها را تعیین میکند یکسان بودن تاکتیک ها از نظر صوری بلکه بخدمت گرفتن تاکتیک ها در جهت است اهداف و احداث است اگر ما تاکتیک های مختلف را بنحوی بکار بگیریم که در خدمت ایجاد سازمان سراسری و متحد نمودن طبقه کارگر حول سیاست مستقل طبقه کارگر باشد





### رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش ...

ایجاد صف متشکل ومستقل طبقه فرارگیردا گرایین تاکتیک ها جهت پیوند مبارزات طبقه کارگر در کردستان با سایر مناطق و خلق کردبا سایر خلقها فرارگیردا گرایین تاکتیک ها جهت تامین هژمونی پرولتاریائی بر جنبش رها نمیشخ خلقهای ایران بکار گرفته شود آ نوقت ما بیگانگی تاکتیک هارادر جهت اهداف واحدیستی بکار گرفته ایم ، پیچیدگی مساله درست درایین نکته نهفته است که ماناکتیک را چگونه بکار بگیریم که به اهداف فوق برسیم شعارها را چگونه تعیین کنیم که پیوند جنبش خلق کردبا جنبش رهایی بخش خلقهای ایران برقرار کرده و در جهت تامین هژمونیستی پرولتاریائی در جنبش خلق کرد و جنبش خلق بطور کلی حرکت کنیم و چگونه مبارزه ملی خلق کردرا حینه طبقاتی به جشم مبارزه مسلحانه در کردستان از طرف حاکمیت کنونی به خلق کرد تکمیل نده است جنگ در کردستان تمام جوجابه راجحت تا شیر قرار داده و بنابه مساله مهم سیاسی در آمده است . تنها یک سازمان سرتاسری میتواند مبارزه خلق کردرا با مبارزات سرتاسری ایران پیوندد ه دورابطه صحیح بین این دو برقرار کند .

#### شعارها و استراتژی

#### مرحله ای ما در کردستان چه میتواند باشد؟

هدف استراتژیک ما برقراری سوسیالیسم و گذار به کمونیسم است و بنا به شرایط تاریخی ، اجتماعی ، اقتصادی - جامعه ما برقراری سوسیالیسم ، بدون تحول دموکراتیک جامعه یعنی بدون پیروزی انقلاب دموکراتیک ممکن نیست یعنی در این مرحله از تکامل تاریخی جامعه استراتژی ما تحقق انقلاب دموکراتیک و گذار بدون وقفه به سوسیالیسم است . از آنجا که اعتلا انقلابی در سراسر جامعه موجود نیست باید اهداف مشخصی را که در رابطه با استراتژی مان جنبه

## سیاست یا ایدئولوژی (مسلك)

### سازمانهای انقلابی توده ای (۲)

اینکه مادر شماره قبل گفتیم "سازمانهای توده ایی دارای ایدئولوژی نیستند" ممکنست در عده بی این توهم را ایجاد کند که ما هم معتقدیم که سازمان های توده ای صحنه مبارزه سیاسی جریانهای مختلف (احزاب و سازمانها و گروه های سیاسی) نیست و نایستی هم بصحنه درگیر نهی سیاسی بین این جریانات تبدیل شود و سازمانهای توده ای فقط باستی بمسائل رفاهی و مشکلات اقتصادی توده ها میراند بروز همین توهم در عده ای دیگر ممکن است بصورت این احراف تجلی یابد که گویا ما منتقدیم باستی از درگیر نهی سیاسی درون سازمانهای توده ای برهیز کرد ، یعنی برهیز از "مبارزه طبقاتی" را تبلیغ می کنیم و این همان عقیده و مسلکی است که سرمایه داران آن را تبلیغ و ترویج می کند تا منافعشان هر چه بیشتر تامین شود .

این عده یا سخ می دهیم که درست است که ما از غیر مسلکی بودن سازمانهای انقلابی توده ای دفاع می کنیم و علیه آن احزاب و سازمانهای سیاسی که خواهند این سازمانها را مسلکی کنند و آنها را سازمان هوا ارا مان نامند و یا حتی بزور سرنیزه هم که شده بر آنها نام عقیده خود را بگذارند ، ندید ما مبارزه خواهیم کرد . اما از طرف دیگر نیز با تمام قوا خواهیم کوشید تا سیاست (توجه کنید سیاست و نه مسلک حزب خواهیم کوشید تا تا تربیت

مبلغین آگاه و مجرب مبارزه ایین سازمانها را با سازمانهای طبقاتی کارگران تبدیل کنیم و دامنه نفوذ خود را بسط و گسترش دهیم . شریعت عضویت توده های کارگر در این سازمانها اجبارا پذیرش ایدئولوژی خاصی نیست ، اما هر جریان سیاسی باید در تبلیغ و ترویج ایدئولوژی خود آرا داشته باشد .

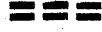
در مورد دوم ابتدا خواهیم کوشید مبلغینی پرورش دهیم که سیاستهای ما را بخوبی درک کرده باشند تا بتوانند آنها را در میان توده کارگران تبلیغ کنند . ثانیاً "در کلبه صحنه های مبارزه جاری بشکل فعال شرکت کنند و بدافع سیاست صحیحی که منافع طبقاتی کارگران را تامین کند ، سیرازند و بروز اختلافات سیاسی را زاین بخش نداند ، زیرا مدتها قبل لنین کبیر در مقاله "بیطرف اتحاد به کارگری" نوشت "ما ایله مخالف گفت که زبان بخش است اختلافات سیاسی را ب داخل سازمان انقلابی توده ها" راه دهیم . . . . . بلکه

پله خان چنین چیز احقانه می را گفت . . . لکن راهنمای ما نباید که سخنان پله خان باشد ، بلکه قطعاً ما مکنگره باید راهنمای ما باشد که نمی تواند با اجرا گذارده شود مگر با "داخل کردن اختلافات سیاسی" (همه جا تاکید از ماست) . (اتحادیه کارگری - لنین صفحه ۱۲۶)

صورتیکه خلق کردکا ملا" سرکوب نشود مبارزه مسلحانه کردستان تا ایجاد اعتلا انقلابی و زمینه گسترش مبارزه مسلحانه در سرتاسر ایران ادامه یابد . بهر حال آنچه در اینجا اساسی است آنست که ما در مرحله کنونی هدف سرنگونی حاکمیت را نداشته ، بلکه تحقق اهداف مشخص و کسب پیروزیهای سیاسی مورد نظر است . باید در پروسه این مبارزه برنامۀ انقلاب وسیعاً "در میان کارگران دهقانان و زحمتکشان تبلیغ شود و با تکیه بر خراستهای طبقاتی در میان کارگران و زحمتکشان دهقانان بویژه در کردستان جنبه طبقاتی به مبارزه داده شود .

سایر مناطق حمایت سیاسی از خلق کردرا به اشکال سیاسی مختلف در دستور قرار خواهیم داد ، اگر بتوانیم مبارزه را درست پیش ببریم تناسب عینی قوای طبقاتی به نفع خلق دگرگون شود ، محتمل است که حاکمیت تن به عقب نشینی دهد و صلح دموکراتیک را به پذیرد که یک پیروزی سیاسی بسیار مهم برای خلق بشمار خواهد آمد در آن صورت در فضای دموکراتیک که به نیروی توده ها بر حاکمیت تحمل شده است زمینه مناسب جهت متشکل کردن طبقه کارگر و سایر توده ها ایجاد خواهد شد . شق دیگر آنستکه رژیم تن به عقب نشینی ندهد و همچنان به سرکوب ادامه دهد که در آن صورت در

قیام باشد (از قبیلهای تضمین آزادیهای دموکراتیک ، آزادی فعالیت سازمانهای سیاسی ، قانونی کردن شوراها و حق خودمختاری برای کردستان ، زمین برای دهقانان و . . . باشد) این چنین صلحی که ما آنرا صلح دموکراتیک مینامیم (یعنی صلح با تضمین حقوق دموکراتیک) بویژه در مناطقی غیرا کردستان برد تبلیغی بسیار دارد این بدان معنی است که جنبش خلق کرد در شرایط کنونی تنها میتواند در برخی نیرویهای سیاسی (یعنی صلح دموکراتیک) را بدست آورد ، در شرایط کنونی ما ضمن مبارزه مسلحانه در کردستان در سایر مناطق به مبارزات سیاسی در



مبارزه ضد امپریالیستی

بقیه از صفحه ۱

یکی از مهمترین مسائلی که جنبش کمونیستی ایران با آن روبروست مساله رابطه مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دموکراسی و پیوند این دو مبارزه در راه سوسیالیسم است. در دوران تاریخی کنونی و در شرایط مشخص جامعه ایران مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم جدا نشدنی است. این مبارزه برای رهایی دموکراسی و سوسیالیسم جدا نشدنی است. به پیوند این دو جنبه معنی نیست که مراحل مابین و ضروری گذار به سوسیالیسم را نادیده انگاریم. بویژه در کشورهای تحت سلطه گذار به سوسیالیسم بدون برقراری دموکراسی توده‌ای و رهایی از بند امپریالیسم میسر نیست.

مبارزه برای دموکراسی در کسب‌های تحت سلطه مبارزه است علیه سلطه امپریالیسم چرا که ستمگری ملی و ارتجاع سیاسی به عنوان اساسی ترین خصلت سیاسی امپریالیسم به‌شماره می‌آید. این سلطه عمل می‌کند و "امپریالیسم هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی تا قبل به نقض دموکراسی و برقرار ساختن ارتجاع دارد. به این معنی امپریالیسم بطور غیر قابل انکاری "نفی" دموکراسی بطور عام، هر نوع دموکراسی است (لنین کارگزار توری از مارکسیسم) از هنگامیکه مناسبات سرمایه داری وابسته در جامعه ما تسلط گردیده است. بورژوازی وابسته به‌شماره ایگاه اقتصادداری-اجتماعی امپریالیسم به طبقه مسلط بدل شده است بورژوازی وابسته به علت پیوند ارگانیکش با سرمایه‌های مالی، چسب در سیاست خارجی و وجهه در سیاست داخلی تا قبل به نقض دموکراسی و برقراری ارتجاع سیاسی دارد. خصلت سیاسی بورژوازی وابسته نفی هرگونه دموکراسی است بنابراین مبارزه برای دموکراسی از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته تفکیک ناپذیر است. مبارزه برای دموکراسی جزئی از مبارزه پرولتاریا برای سوسیالیسم می‌باشد. طبقه کارگر هر چند در مبارزه‌اش برای سوسیالیسم تنهاست، اما در مبارزه برای دموکراسی سایر اقشار و طبقات تحت ستم نیز با او همراه و شریکند و متحدین طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک تشکیل می‌دهند. لیکن مبارزه متحد و مشترک طبقات و اقشار انقلابی برای رهایی دموکراسی به مفهوم مخدوش کردن مرز بین مبارزه پرولتاریا و سایر نیروهای

اجتماعی برای دموکراسی و نادیده گرفتن و متمایز ساختن دموکراسی پرولتاریائی از دموکراسی خرده بورژوازی نخواهد بود. پرولتاریا با دفاع از دموکراسی پرولتاریائی صف خود را از دموکراسی خرده بورژوازی و لیبرالیسم بورژوازی متمایز می‌سازد. بخشی از این مبارزه بورژوازی متناسب که تقابل دروغین لیبرالیسم بورژوازی برچهره خویش زده است می‌کوشد با سود جستن از خواست‌ها و تمایلات دموکراتیک توده‌ها و پایه انحراف کشیدن مبارزه دموکراتیک زحمتمکشانش، امتیازات بیشتری در قدرت دولتی کسب نمود و در جهت بازسازی هر چه سریع‌تر نظام ضربه خورده سرمایه داری وابسته حرکت کند. از این رو خواست‌های دموکراتیک توده‌ها را در چهار چوب خواست‌ها و برخی آزادی‌های گوش و دم بریده بورژوازی محدود و محصور می‌سازند. و چنین تبلیغ می‌کنند که گویا خواست‌های دموکراتیک مردم صرفاً مسئله لباس و حجاب و گفت و شنود تلویزیونی محدود می‌گردد. دموکراسی خرده بورژوازی گرچه از منافع اقشاری از خلق دفاع می‌کند ولی به علت تفرد و تنزل و محافظه کاری اینکه از موضع طبقاتی‌اش ناشی می‌گردد نمی‌تواند از خواست‌های دموکراتیک زحمتمکشانش تا به آخر دفاع نماید. تنها دموکراسی پرولتاریائیست که قادر است در راه تحقق خواست‌های دموکراتیک زحمتمکشانش تا به آخر مبارزه کند. هم از این روست که پیشاهنگ پرولتاریا پیگیرترین مدافع حقوق دموکراتیک زحمتمکشانش است. عدم درک این مسئله یعنی پیوند مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از جانب اپورتونیست‌ها تا آن‌را امیدارد که مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه برای دموکراسی جدا سازند. و چنین وانمود کنند که گویا مبارزه توده‌های زحمتمکش در راه دموکراسی و برای تحقق خواست‌های دموکراتیک خویش در تقابل با مبارزه ضد امپریالیستی بوده و آنرا تضعیف می‌کند. آنها که درکشان از دموکراسی لیبرالیسم بورژوازی است، از آنجا که مشاهده می‌کنند "لیبرالیسم" برای فریب توده‌ها از آزادی‌های محدود و مشروط بورژوازی دفاع می‌کنند؛ طبقه کارگر از مبارزه بخاطر دموکراسی پرولتاریائی برخوردار دارند چرا که گمان آنها در چنین صورتی با "لیبرالیسم" همسو و همصدا خواهند شد. آنها قادر به درک این مطلب نیستند که این اصطلاح لیبرالیسم، تلاش

می‌کنند تا با سوء استفاده از تمایلات و خواست‌های دموکراتیک توده‌ها و با انحراف کشیدن مبارزه آنان و حله گیری از آن، توده‌ها را به مبارزه در قدرت سیاسی کسب کنند و بنا بر این ضروری است که طبقه کارگر با دفاع از دموکراسی پرولتاریائی با افشای ماهیت ضد انقلابی و دروغین "آزادی خواهی" آنان برخورد کند. عدم شرکت فعال در مبارزه دموکراتیک و نفی این مبارزه "علا" به معنای خالی نمودن صحنه برای "لیبرالیسم" است. اپورتونیست‌ها چنین تصور می‌کنند که گویا مبارزه طبقه کارگر برای دموکراسی و برای مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای سوسیالیسم "منحرف" می‌سازد. حال آنکه برخلاف درک انحرافی اینان، لنین بر ضرورت مبارزه طبقه کارگر بر روشن‌ترین وجهی تاکید کرده و می‌گوید: "انقلاب سوسیالیستی یک عمل و نبرد منفرد در جنبه‌های منفرد نیست، بلکه دوره‌گامی از کشمکش‌های حاد طبقاتی و یک سری نبردهای طولانی در کلیه جنبه‌ها می‌باشد یعنی نبرد‌های حول تمام مسائل اقتصادی و سیاسی که تنها با سلب مالکیت از بورژوازی می‌تواند پایان گیرد. اشتباه محض خواهد بود اگر تصور کنیم که مبارزه برای دموکراسی خواهد توانست پرولتاریا را از انقلاب سوسیالیستی منحرف سازد، یا آنرا گمراه ساخته و تحت الشعاع قرار دهد و غیره... بالعکس همان‌طور که سوسیالیسم بدون ارائه کامل دموکراسی نمیتواند پیروز گردد، پرولتاریا هم قادر خواهد بود بدون دست زدن به یک مبارزه همه جانبه، پیگیر انقلابی برای دموکراسی خود را در جهت غلبه بر بورژوازی تجهیز نماید" (لنین انقلاب سوسیالیستی و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش) بنابراین مبارزه برای دموکراسی نه تنها از نقطه نظر رهبری سایر اقشار و طبقات تحت ستم در مبارزه دموکراتیک و ستم انقلابی دادن و ارتقاء این مبارزه در جهت برقراری دموکراسی توده‌ای ضروری است بلکه همچنین به لحاظ تجهیز پرولتاریا به غلبه بر مبارزه همه جانبه، پیگیر و انقلابی برای دموکراسی را پیش برد.

خصلت اساسی امپریالیسم به نفی مبارزه دموکراتیک توده‌های زحمتمکش و خلف‌های تحت ستم پرداختن و از خلع‌های تحت ستم کرد، ترکمن و... از کارگران، دهقانان و زحمتمکش... می‌خواهند که برای تحقق خواست‌های دموکراتیک‌شان به مبارزه انقلابی نپردازند. تنها مبارزه ضد امپریالیستی تضعیف و روزنامه مردم‌ارگان حزب توده بی‌شرمی را تا بدان پایه می‌رساند که مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و خواست‌های دموکراتیک را توطئه امپریالیسم می‌نامد و می‌نویسد: "اعتصاب، تحصن، توطئه" امریکاست و اپورتونیست‌های توده‌ای کمیته مرکزی نیز طوطی وار حرف آنها را تکرار می‌کنند. اپورتونیست‌ها بدون درک ماهیت و خصلت اساسی امپریالیسم و بورژوازی وابسته و بدون درک مبهمه و توطئه‌های مبارزه ضد امپریالیستی، این مبارزه را به سطح مبارزه علیه آبادی مزدور امپریالیسم که مشغول توطئه علیه مردم ایران است، تنزل می‌دهند. اپورتونیست‌ها با تحریف ماهیت طبقاتی و خصلت قدرت حاکمه در کشور از سویی ماهیت طبقاتی حاکمیت کنونی را خرده بورژوازی و خصلت آنرا دموکراسی انقلابی ارزیابی می‌کنند و از سوی دیگر می‌بینند که واقعات عینی و بی‌ارتیک روزمره، هر روز خط بطلان بر نظریات آنها می‌کشد. لذا مجبورند برای توجیه نظریات خویش به تحریف تئوری‌های مارکسیستی-لنینیستی بپردازند. و مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه برای دموکراسی جدا سازند تا بتوانند توده‌ها را فریب دهند و به آنها بگویند اگر حاکمیت خرده بورژوازی کنونی حقوق دموکراتیک خلق‌های تحت ستم کرد، ترکمن و... را انکار می‌کند و جنبش حق طلبانه تا ناباطور قهرآمیز سرکوب می‌نماید، اگر مبارزه کارگران و دهقانان و زحمتمکشانشان واقعا خرده بورژوازی را سرکوب می‌کند، اگر سازمان‌های انقلابی را تحت فشار قرار داده و نشریات آنان را توقیف کرده و انقلابیون را دستگیر و زندانی می‌کند، اگر آزادی‌های سیاسی را محدود می‌کند، اگر به شوراها و واقعی انقلابی و مستقیم توده‌ها به مخالفت برمی‌خیزد، اگر در مدت یکسال و نیم بجز رفقه‌های بورژوازی در جهت حل مسئله زمین حرکتی نکرده است، اگر از سرمایه داران زمین‌داران دفاع کرده است، اگر به ساز سازی سیستم سرمایه داری وابسته پرداخته است و... و خلاصه اگر به نقض آشکار حقوق و آزادی‌های دموکراتیک اقدام

نموده است و حتی با لفظ دموکراتیک نبرد دشمنی می‌ورزد، غیر غم هم‌اینها حکومتی است انقلابی و ضد امپریالیست و خصلت آن دموکراسی انقلابی است. چرا که مبارزه ضد امپریالیستی ربطی به مبارزه برای دموکراسی ندارد و این حکومت از آنجا که با امپریالیسم تضادهائی دارد خصلت آن دموکراسی انقلابی است. و اگر کارگران و زحمتمکشانشان تقاضای حقوق دموکراتیک‌شان را از مبارزه علیه سرمایه داران و خواست‌های دموکراتیک و اگر پیرویهائی به دفاع از دموکراسی پرولتاریائی بر غیر جنبه‌های لیبرالیسم می‌دهند و عمل به امپریالیسم میکنند و اپورتونیست‌ها که درکشان از دموکراسی که همان درک بورژوازی لیبرالی از دموکراسی است، تصور می‌کنند مبارزه برای دموکراسی پرولتاریائی "خدمت" به امپریالیسم است و قادر به درک این مسئله نیستند که "آزادی خواهی" ظاهری نمایندگان بورژوازی هدفش خدمت به امپریالیسم و دموکراسی پیگیر پرولتاریائی هدفش نابودی امپریالیسم است. بررسی علمی اقدامات، عملکردها و سیاست‌های هیئت حاکمه در طول یکسال و نیم بروشنی آشکار می‌سازد که خصلت اساسی این حکومت نه دموکراسی انقلابی بلکه نفی دموکراسی و نقض حقوق دموکراتیک توده‌ها و خلف‌های تحت ستم است. و قدرت دولتی بطور عمده در دست بورژوازی متوسط قرار دارد و خصلت سیاست‌های هیئت حاکمه که نه انقلابی است و نه دموکراتیک، در انطباق با ماهیت و خصلت بورژوازی متوسطی باشد. و این کارگران و زحمتمکشانش در تجربه روزمره خویش هر روز بیشتر درمی‌یابند حال آنکه از اپورتونیست‌ها سرکوب‌گوان خلق کرد و ترکمن و... و دهقانان و زحمتمکشانش، توقیف کنندگان نشریات سازمان‌های انقلابی و اعدام کنندگان انقلابیون را! دموکراتیک‌های انقلابی! بنامند و توده‌ها را به دست شستن از مبارزه دموکراتیک و تبعیت از قدرت حاکمه فراخوانند و خصلت حکومت کنونی را دموکراسی انقلابی بدانند و از امکان تحول این "دموکراسی" به "سوسیالیسم" دم بزنند و وظیفه نیروهای مارکسیست-لنینیست انقلابی است که ضمن افشای ماهیت ضد انقلابی "آزادی خواهان" دروغین ماسک لیبرالیسم بجهت زده‌اند، دفاع از دموکراسی پرولتاریائی برخاسته بچرخ سرخ مبارزه برای رهایی دموکراسی و سوسیالیسم را در سنگرزحمتمکشانش برافرازند.

هفته گذشته شهردار تهران طی اطلاعیهای ۴۸ ساعت به دهکداران مهلت داد تا بساط خود را برچینند و آقای شهردار را در امر "زیباسازی" شهر موفق گردانند.

اقدام شهردار جمهوری اسلامی، مردم زحمتکش ما را به یاد اقدامات نیک بی معدوم شهردار رژیم شاه انداخت که چگونه او هم گهگاه با صرف هزینه های هنگفت که از مردم زحمتکش ما بقرت میرفت و از طریق ضرب و جرح بساطی های کنسار خیابان به فکر ایجاد مناظر دلپذیر، در شمال شهر میفتاد و نیز هرگز سری به جنوب شهر نمیزد تا ببیند چگونه مردم محروم مادرین زباله ها و لجن و تعفن ناشی از آن، به زندگی سراسر بنوع و مشقت خود مشغولند، او نیز باین رادار کنسار که زیبایی بالای شهر مهمتر است یا تامین بهداشت و سلامت پائین شهروان مهمتر است، اینک او نیز قادر به درک ریشه و علل اصلی دهکداری و نازیبایی شهر نبود اما نکته مهم که در زیبا سازی آقای شهردار انقلابی در شرایطی می خواهد صورت بگیرد که موج گرانی و بیکاری بیداد میکند و کارگران و زحمتکشان زیر بار هزینه طاقت فرسای زندگی کمر خیم کرده اند. اتحادیه دهکده داران خیابان مصدق بدنبال تضامیل شهرداری به زیباسازی، تهران بیاینه کوتاهی منتشر کرد و در آن بدستی زبانی شهروگرسنگی مردم را جلوش چشم شهرداری نهاد آنها میگویند.

شهردار تهران به زبانی شهر بیشتر اهمیت میدهد تا به سیر کردن شکم زن و جبهه ما دهکداران و دست فروشان کنار خیابان، رژیم جمهوری اسلامی زشتی خیابانها و دهکده های بیبند اما برچهره زشت بیگاری میلیونها نفر که عامل اصلی پیدایش ناگهانی دهکده ها است سرپوش میگذارد.

امام جمعه تهران نیز دلیل برچیدن دهکده ها را وج فساد و فحشاء از جانب دهکده داران اعلام نمود ایشان بدنبال بیانات سرایا عوامفریبانه است، کوشید تا او نمود کند در شرایطی که ایجاد کار براجتی از سوی دولت امکان پذیر است پس چگونه است که عده های با ایجاد دهکده و بساط در کنار خیابان به دایر کردن مراکز فساد پرداخته اند، اما چرا آقای خامنه ای که خود بخوبی از بحران بیگاری و مشکلات کارگران بیگاری با خبر است، چنین بیشرمانه مدعی وجود کار

## در پی اخطار برچیدن دهکده ها مبارزات دهکده داران به خون کشیده شد

دهکده داران از شهردار می پرسند:

مردم از گرسنگی بستوه آمده اند  
یا از دهکده داران کنار خیابان؟

وتوطئه دهکده داران میشود. دشمنی امام جمعه تهران تا کنون بارها و بارها بساط کتابفروشان کنار خیابان آشکار شده و مقصود ایشان از عاملین فساد در بین دهکده داران کسی جز کتابفروشان که سهم زیادی در آگاهی مردم داشته اند، نمی باشد. چرا که این دسته از جوانان زحمتکش، با وجود شرایط فشار و اختناق، زیر حملات مداوم گروه های فشار و دستجات چماق دار و با وجود تحمل خسارات هنگفت و با تامین حداقل نیازهای زندگی خانواده گیشان، کوشش کرده اند تا هر چه بیشتر بار بار اثار خدمات خود به آگاهی مردم بیاری رسانند. به همین جهت، پاکسازی، و زیباسازی، شهردار ابتدا از کتابفروشان کنار خیابان آغاز میگردد و این مراکز "فساد"، زیر ضرب چماق داران و پاسداران قرار میگیرد. اما این بار، اخطار شهردار

بستگی به زندگی دهکده داران داشت و مسلماً این بود متفاوت با حمله چماق داران و از بین رفتن سرمایه، مبارزات متحد و مشکل سرمایه میبارزات متحد و مشکل دهکده داران آغاز گشت و اتحادیه دهکده داران آغاز گشت اتحادیه کتابفروشان کنار خیابان و دهکده داران خیابان مصدق و... طی اطلاعیه هایی به دولت اخطار کردند فقط در صورتی حاضر به جمع آوری بساط خود خواهند شد که دولت هر چه زود تر برایشان کار ایجاد کند. در غیر این صورت تا پای جان مقاومت خواهند کرد. در همین رابطه دهکده داران بعد از ظهر روز ۱۷ تیر ماه جهت اعتراض به برچیدن دهکده های ایشان دست به یک راهپیمایی زدند (از تقاطع راه فاطمی مصدق تا سسه راه جمهوری) در انتهای مسیر یکی از آنان طی سخنرانی خود از دولت خواست چنانچه مایل به رفع بیگاری است، بدون تکرار وعده های پوچ به استخدام فوری دهکده داران بپردازد، تا آنها مجبور نباشند برای تامین سرما خارج زندگی بخور و نمیر خود در سرا و مراکز در کنار خیابانها بسر ببرند. سخنران اعلام داشت که با وجود بیگاری نمیتوان اصرار معاش کرد، و اعتیاد و فساد خود نیز بدلیل بیگاری در بین جوانان است اما خواهستهای دهکده داران همچنان بی جواب

ماند و اخطارهای مسئولین تکرار شد. تا روز پنجشنبه مجدداً دهکده داران بطرف دفتر رئیس جمهور راهپیمایی کردند تا خواستهایشان را با او مطرح کنند اما رئیس جمهور نتوانست در جمع آنان حاضر شود. دهکده داران دست از اعتراض و مبارزه برنداشتند و بطرف شهرداری در خیابان دکتر فاطمی حرکت کردند، در طول حرکت آرام خود با طرح شعارهای اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار- کار، کار حق مسلم است، بیگاری، حاصل وابستگی ایجاد کرد، برچیدن دهکده ها، بدون ایجاد کار محکوم باید گسرتند و... خواستهای خود را با اطلاع مردم می رسانند.

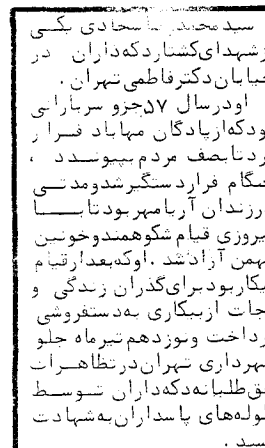
آنها جلوشهرداری جمع شدند و با قرائت قطعنامه های، خواست های خود را بیابان داشتند:

- ۱- ما خواستار لغو دستور جمع کردن دهکده ها و بساطی ها از طرف دولت هستیم.
- ۲- ما در صورت ایجاد کار تولیدی در جامعه را با اقدام به برچیدن دهکده ها می کنیم.
- ۳- ما با ایمان به توطئه بودن این جریان (تخریب دهکده ها) از کلیه مقامات مسئول دینفع در این جریان دعوت به مناظره، تلویزیونی برای اثبات ادعای خود می کنیم، و آگاهانه این جریان را توطئه ای علیه جمهوری اسلامی میدانیم.
- ۴- ما تا بر آوردن خواستهای به حق خود به خصوص بند ۳ ایستادگی می کنیم و از مردم مبارزتهایان میخواهیم ما را بیاری نمایند و قضاوت را در این مورد به عهده مردم قهرمان ایران می گذاریم. کلیه اقدامات باید با نظر شورای سراسری دهکده

آب میوه گیری یا مقداری طرفو گل مصنوعی است، معتقدیم که ریشه همه این مسائل در مشکلات اقتصادی، در بیگاری، در دفاع از سرمایه داران است، راه حل مشکل ایجاد کار دائم برای همه مردم، تامین زندگی مناسب و شرایط رفاهی حداقل برای توده ها است.

اتحادیه صنفی کتابفروشان کنار خیابان در رابطه با همین اقدام شهردار، ر.ز. ۱۷ تیر نامه سرگشاده ای به شهرداری نوشت و ضمن آن نظریات خود را باین ترتیب بیان داشت:

۱- با توجه به بیگاری روز افزونی که در جامعه وجود دارد و هر روز بر توده ادیبکاران افزوده میشود، آیا آقای شهردار با این عمل انقلابی؟! خود میخواهد چه چیزی را تأسیس کند؟ (مگر تیرا زین است که با این عمل بر تعداد بیگاران



سید محمد باغچه بادی یکی از شهدای کشاورز دهکده داران در خیابان دکتر فاطمی تهران، او در سال ۵۷ جزو سربازانی بود که از یادگان مهاباد فرار کردند تا به مردم بیبوسند، هنگام فرار دستگیر شد و مدتی در زندان آریامهر بود تا با پیروزی قیام شکوهند و خونین سپهر آزاد شد، او که بعد از قیام بیگاری بود برای گذران زندگی و نجات از بیگاری به دستفروشی پرداخت و زود هم تیرماه جلو شهرداری تهران در تظاهرات حق طلبانه دهکده داران توسط گلوه های پاسداران به شهادت رسید.

افزوده همیشه بود؟) ما بارها اعلام کرده ایم که در رابطه با این مسائل باید دنبال علل اساسی بگردیم، اما علت اساسی در این مورد چه میتواند باشد. ناظر بیگاران تا همین کار تولیدی برای این افراد، در اینجا لازم است آقای شهردار سوال بکنیم، آیا اگر در یک جامعه ای کار وجود داشته باشد باز این افراد مجبورند که به این کارها روی بیاورند، و هر روز شاهد درگیریهای و فریاد چماق داران باشند یا به فکر تولید در جامعه.

۲- آقای شهردار در این رابطه بارها به مسئله سیرا و ایجاد مزاحمت برای دیگران اشاره کرده اند در اینجا ما از آقای شهردار سؤال می کنیم، آیا مردم (همان مردمی که واسطه قرار میدهد) از بیگاری و فقر و گرسنگی به تنگ آمده اند، یا از بساطی نتیجه در صفحه ۳.

### پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

حجاب اجباری

تحت عنوان مبارزه با فرهنگ امپریالیستی

تحریکات پاسداران و شهادت انقلابیون

مبارزه با فرهنگ امپریالیستی زمانی میتواند، تحقق یابد که...

اجباری که جزئی از سیاست ضد دموکراتیک آن محسوب میشود، نه تنها پیش ازین زمان را از...

الیهالها "تلاش می کنند که خود را مخالف با شیوه های ضد دموکراتیک حزب جمهوری اسلامی معرفی کنند...

هفته گذشته، فیروزکوه، شاهتیر و جوشهر حمله با سواران و چماق بدستان به نیروهای متروقی و انقلابی بود که منجر به شهادت رفیق اسفندیار قربانی شد.

در خان گذن ششم آنها بگذرد و روزهای قبل از قیام را با خاطر آروم که زبان با شرکت در...

جوشهر همچنان متشنج بود تا اینکه بعد از ظهر جمعه دوازدهم تیرماه، دوباره پاسداران به دوشیزان جوانان شهر حمله میکنند...

حزب جمهوری اسلامی به جای مبارزه با فرهنگ امپریالیستی در جهت مبارزه با فرهنگ امپریالیستی...



هفته گذشته شرق تهران شاهد فاجعه ای بود که سراسر استان را فراگرفته است منطقه وجود آورده است...

فدائیان خلق می پرسند: اگر حاکمیت "ملی و متروقی" است، چرا به خواسته های برحق خلقهای زحمتکش، با بی مبالاتی پاسخ میدهد؟!...

حزب جمهوری اسلامی که می گویند زمان را از عرصه منو لنید و فعالیت های اجتماعی و سیاسی دور سازد...

اما با سرنگونی رژیم شاه معنی رژیم که همراهِ با تقویت و احداث اثرات سیاسی سرمایه داری و...

زبان زحمتکش میهن صادر این مبارزات خواهان رفع کلیه مظاهر استعماری و ناپسندی است...

زبان زحمتکش میهن صادر این مبارزات خواهان رفع کلیه مظاهر استعماری و ناپسندی است...

پیش بسوی تشکیک حزب طبقه کارگر

پیش بسوی تشکیک حزب طبقه کارگر

مبارزه با فرهنگ امپریالیستی زمانی میتواند، تحقق یابد که...

پیش بسوی تشکیک حزب طبقه کارگر

پیش بسوی تشکیک حزب طبقه کارگر

پیش بسوی تشکیک حزب طبقه کارگر